Political Studies of Islamic World

P-ISSN:2252-0929
E-ISSN: 2676-3524

the Role of Netizens in the Political / Social Changes in Egypt and Tunisia

Hasan Farsi Joukar*
Assistant Professor,Jahad Daneshgahi,University of Tehran,Iran,
(Corresponding Author)hfarsi@ut.ac.ir
Mostafa Malakoutian
Professor, Faculty of Law and Political Science,University of Tehran,Iran, mmalakot@ut.ac.ir

Abstract

Objective: Considering the importance and position of citizens in political and social developments on the one hand and the emergence of a new type of citizenship, i.e., netizen, and the formation of virtual society as an undeniable reality on the other hand, this study examines the relationship between netizens and socio-political developments focusing on their role in setting the stage for developments in Egypt and Tunisia. It also pays attention to the place of living things in the future developments in the Middle East.
Method: This research is based on descriptive and analytical methods and while using library resources, documents and related information of websites and dedicated reports, has collected and reviewed databases.
Findings: Studies show that according to the socio-political conditions of Arab societies and countries, especially the governments of Egypt and Tunisia, the status of Netizens, as a result of the development of information and communication technology and the emergence of small and large virtual communities, have played an effective role in shaping change. They have had socio-political issues in these countries and the most important stage of their role-playing has been the formation of the online public sphere.
Conclusion: In a situation where Egypt and Tunisia were struggling with various political, social and economic problems in the shadow of totalitarian governments, but due to weak civil societies, change in these countries was not foreseen for years; But the role-playing of netizens in the context of information technology has created the conditions for 21st century activists to open up with open-minded public spheres based on the facts of society, sharing pain, creating synergies, and political debate. The closed, authoritarian regimes and their artificial public sphere, which emerged from the state media, provided the conditions for the formation of the revolutionary movement and socio-political developments.
Keywords: Netizen, Public Speher, Egypt, Tunisia.
Article Type: *Research*

∗ Political Studies of Islamic World, Summer 2021, Vol.10, NO.2, 1-36
DOI: 10.30479/psiw.2021.13757.2841
Received on 14 July, 2020 Accepted on 29 June, 2021
Copyright© 2021, Farsi Joukar & Malakoutian
Publisher: Imam Khomeini International University.

شاپا چاپی: ۰۹۲۹-۲۲۵۲
شاپا الکترونیکی: ۳۵۲۴-۲۶۷۶

مطالعات سیاسی جهان اسلام

نقش نت‌زیست‌ها در تحولات سیاسی – اجتماعی مصر و تونس (۲۰۱۱)

حسن فارسی جوکار*
استادیار جهاددانشگاهی دانشگاه تهران(نویسنده مسئول) hfarsi@ut.ac.ir
مصطفی ملکوتیان
استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، mmalakot@ut.ac.ir

چکیده

هدف: با توجه به اهمیت و جایگاه شهروندان در تحولات سیاسی و اجتماعی از یک سو و ظهور نوع جدیدی از شهروندی؛ یعنی نت‌زیست و شکل‌گیری جامعه مجازی به عنوان واقعیتی انکارناپذیر از سوی دیگر، این پژوهش به بررسی رابطه نت‌زیست‌ها و تحولات سیاسی اجتماعی با تمرکز بر نقش آن‌ها در زمینه‌سازی تحولات در مصر و تونس پرداخته و توجه دادن به جایگاه نت‌زیست‌ها در تحولات آتی کشورهای منطقه خاورمیانه را مد نظر قرار می‌دهد.

روش: این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است و ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و اطلاعات مرتبط وب‌سایت‌ها و گزارش‌های اختصاصی، پایگاه‌های اطلاعاتی را گردآوری و بررسی نموده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها حاکی از آن است که با توجه به شرایط سیاسی – اجتماعی جوامع و کشورهای عربی به‌ویژه دولت‌های مصر و تونس، نت‌زیست‌ها به عنوان پیامد گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظهور جوامع مجازی کوچک و بزرگ، نقش مؤثری در شکل‌گیری تحولات سیاسیی – اجتماعی در این کشورها داشته‌اند و مهم‌ترین مرحله نقش‌آفرینی آن‌ها، شکل دادن به حوزه عمومی برخط بوده است.

نتیجه‌گیری: در شرایطی که کشورهای مصر و تونس در سایه حکومت‌های توتالیتر با مشکلات متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کردند، ولی به واسطه جوامع مدنی ضعیف، تا سال‌های سال تغییر و تحولی در این کشورها پیش‌بینی نمی‌شد، اما نقش‌آفرینی نت‌زیست‌ها بر بستر فناوری اطلاعات شرایط را به‌گونه‌ای رقم زد تا کنشگران قرن بیست و یکم با ذهنی باز، ضمن تشکیل حوزه‌های عمومی مبتنی بر واقعیات جامعه به طرح مسائل و مشکلات پرداخته، با اشتراک‌گذاری دردها، ایجاد هم‌افزایی و داو سیاسی در مقابل نظام‌های بسته، اندک سالار و حوزه عمومی مصنوعی آن‌ها که برآمده از رسانه‌های حکومتی بود، شرایط شکل‌گیری حرکت انقلابی و تحولات سیاسی اجتماعی را فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: نت‌زیست، حوزه عمومی، مصر، تونس.
نوع مقاله: پژوهشی

---

* مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۸، ۱-۳۶
تاریخ دریافت مقاله:۱۳۹۹/۴/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۸
ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

بررسی نقش و جایگاه نت‌زیست‌ها[1] در جریان تحولات برخی کشورهای عربی موضوعی بین رشته‌ای، چندوجهی و چندمتغیره است. به همین دلیل و با توجه به ظرفیت و پتانسیل هر نظریه که تنها بخشی از واقعیت را منعکس می‌کند (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۴)، الگوی واحدی برای تشریح تحولات تاریخی امکان‌پذیر و حتی مناسب وجود ندارد (دالگرن، ۱۳۸۹: ۲۴)، لذا استفاده از چند نظریه مرتبط، ذیل رویکردی تلفیقی می‌تواند برخی از ابعاد این تحولات را تبیین نماید. در این راستا از نظریه حوزه عمومی و ارتباطات توانمندساز استفاده شده تا مسئله اصلی پژوهش که چگونگی نقش‌آفرینی نت‌زیست‌ها در فرایند شکل‌گیری تحولات سیاسی، اجتماعی مصر و تونس است، بررسی و تحلیل شود.

پیشینه تحقیق

اگرچه دسترسی به تمام منابع پیرامون تحولات سیاسی – اجتماعی مصر و تونس میسر نشد، اما بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد آثار زیادی در قالب‌ها و سطوح مختلف به کلیت موضوع پرداخته‌اند که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر دسته بندی کرد:

۱-بررسی علل وقوع تحولات انقلابی مصر و تونس

۲-مباحث تئوریک پیرامون رابطه تحولات و رسانه‌های اجتماعی

۳-طبقات و گروه‌های مشارکت کننده درفعالیت‌های انقلابی

۴-بیداری اسلامی

۵-تحولات خاورمیانه و منطقه منا

۶-آثار متفرقه

در خصوص موضوعات مرتبط با فناوری اطلاعات، رسانه‌های جدید و تحولات مصر و تونس برخی از مهمترین آثار که مورد بررسی قرار گرفته، عبارت است از: کاستلز (۱۳۹۳) که با تمرکز بر موضوع جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت به طرح شبکه‌بندی ذهن‌ها و قدرت اینترنت در به چالش کشیدن قدرت می‌پردازد. رضایی (۱۳۹۳) با بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات مصر و تونس معتقد است: در این تحولات فیس بوک مورد توجه و استفاده جوانان تحصیل کرده و به‌ویژه مردان بوده است. لیاقت ورز (۱۳۹۱) به نقش رسانه‌های جدید در برجسته‌سازی اخبار مثبت معترضان و ناچیزانگاری اخبار منفی آن‌ها پرداخته و معتقد است این رویکرد، منجر به تقویت همبستگی جریان اعتراضی شده است. موثقی و عطارزاده (۱۳۹۱) ذیل «نظریه بسیج» چارلز تیلی به بررسی نقش فضای مجازی در فرایند بسیج جنبش-ها پرداخته‌اند. آقایی، صادقی و هادی (۱۳۹۱) ضمن واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های

1. Netizens

اجتماعی بر این نظرند که اینترنت نقش مؤثری در افزایش آگاهی اقشار مختلف این کشورها داشته و با جلب توجه مردم، فرایند تحولات را تسهیل کرده‌اند. غلامرضا خواجه سروی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود معتقدند پیامد استفاده گسترده از اینترنت، شکل‌گیری طبقه اجتماعی جدیدی در بین مردم منطقه بوده است. آل غفور و رومی (۱۳۹۲) دور زدن سانسور و شکستن انحصار اطلاعاتی را نتیجه کاربرد تکنولوژی‌های جدید دانسته و معتقدند در صورت فقدان این ابزارها، تحولات کشورهای عربی دشوارتر و پرهزینه‌تر انجام می‌گرفت.

شیدی (۲۰۱۱) در پاسخ به این پرسش که آیا ظهور رسانه‌های اجتماعی راه و روش دگرگونی‌های اجتماعی را تغییر داده یا نه؟ ضمن تردید در خصوص جایگاه مؤثر این رسانه‌ها، معتقد است که رسانه‌ها اغلب شخصی بوده و برای تغییرات، حضور مردم در پشت این ابزارها ضروری است. سمیرا اف حسن (۲۰۱۵) معتقد است؛ مهمترین نقش رسانه‌های اجتماعی در این تحولات، برنامه‌ریزی و افزایش سرعت قیام و حرکت‌های مردمی بوده است. لگوای و هانراث (۲۰۱۳) نیز علی‌رغم اشاره به ظرفیت رسانه‌های اجتماعی در فرایند تحولات دموکراتیک و مردمی این کشورها معتقد است: این رسانه‌ها مفری برای سوء استفاده را نیز فراهم می‌سازند. مرور و بررسی این آثار نشان می‌دهد علی‌رغم تلاش ها برای بررسی موضوعاتی نظیر نقش فناوری اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی و نقش آن‌ها در دور زدن سانسور و رفع انحصار خبری، برجسته‌سازی اخبار، فرایند بسیج مردمی، رفع محدودیت‌های مکانی و جغرافیایی و ظرفیت‌های مردمی کانون توجه بوده و تقریبا هیچکدام از آثار، توجهی به بررسی موضوع ذیل چارچوب مفهومی حوزه عمومی و نحوه شکل‌گیری حوزه عمومی جایگزین و نقش نت‌زیست-ها در شکل‌گیری آن به عنوان شرط لازم و ضروری تحولات، نپرداخته‌اند. البته بدیهی است که این مسئله در بررسی هر پدیده به چشم می‌خورد؛ زیرا هر محقق و نویسنده به بخشی از موضوع می‌پردازد و تکمیل بررسی پدیده‌ها به مطالعات و بررسی‌های مختلف نیاز دارد. به همین دلیل، این پژوهش بر آن است تا ضمن توجه و بهره‌گیری از آثار منتشر شده با پرهیز از تکرار، از منظری متفاوت به نقش کنشگران جدید سیاسی؛ یعنی نت‌زیست‌ها و نقش آن‌ها در خلق و شکل‌گیری حوزه عمومی تحولات مصر و تونس پرداخته و قطعه‌ای از تصویر پازل‌گونه این پدیده را جانمایی و تکمیل نماید.

مبانی نظری

الف– حوزه عمومی[1]

حوزه عمومی به عنوان جایی که سیاست، اخبار، گفتگو و انتقاد در آن جریان دارد، امروزه گستره وسیعی پیدا کرده است. حوزه عمومی در نگاه‌ها بر اماس با هسته اصلی اطلاعات

1. Public Sphere

(وبستر،۲۱۴:۱۳۸۳) مرکب از افراد معمولی است که گرد هم می‌آیند تا راجع به قواعد جامعه مدنی و نحوه حکمرانی بحث و گفت‌وگو کنند. به لحاظ مفهومی، حوزه عمومی به عنوان یک فضای باز ارتباطی تصور می‌شود که همه افراد مرتبط با آن اعم از فرستندگان و دریافت‌کنندگان، برای گفتگوی عقلانی شرایط مساوی دارند. این حوزه همگانی بخشی از حکومت نیست، بلکه برعکس، حوزه یا زمینه‌ای است که طی آن با فعالیت‌های حکومت مقابله می‌شود (تامپسون،۸۸:۱۳۸۰).

هابرماس در تبیین و توضیح مفهوم حوزه عمومی معتقد است: منظور من از حوزه عمومی قبل از هر چیز، عرصه یا قلمرویی از حیات اجتماعی ماست که در آن بتوان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد. تعبیر افکار عمومی[1] به رسالت انتقادی و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروند به طور غیررسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می‌کند (سیدمن، ۱۳۸۹: ۲۳۲). با توجه به نوع نگاه هابرماس به حوزه عمومی، متغیرهای اصلی آن عبارتند از: دسترسی، گفتگو و کنش عمومی. تورنتون در تشریح مفهوم حوزه عمومی، دسترسی عام را به چهار شاخص دسترسی به رسانه[2]، دسترسی به اطلاعات[3]، دسترسی افقی[4] و دسترسی عمودی[5] تقسیم می‌کند (تورنتون،۱۱،۱۹:۱۹۹۶)، همچنین وایت در تبیین موضوع، قواعد گفتگوی اعضای حوزه عمومی را این‌گونه معرفی کرده است: الف: هرکسی که توانایی سخن گفتن و عمل داشته باشد، حق مشارکت و گفتگو دارد. ب: هرکس حق دارد درباره هر موضوعی پرسش و گفتگو کند. ج: هیچ گوینده‌ای نباید به علت اجبار درونی یا بیرونی از اعمال حقوقش منع شود (وایت،۱۲۱:۱۳۸۰) (جدول – ۱).

(جدول– ۱) متغیرهای اصلی حوزه عمومی

متغیرهای اصلی حوزه عمومی از نظر هابرماس		
دسترسی (ازدیدگاه تورنتون)	گفتگو (قواعد گفتگو از دیدگاه وایت)	کنش عمومی (از دیدگاه فوت و اشنایدر)
دسترسی به رسانه دسترسی به اطلاعات دسترسی افقی دسترسی عمودی	حق پرسش و گفتگو درباره هر موضوع حق مشارکت برای کسی که توانایی سخن گفتن و عمل دارد. هیچ گوینده‌ای نباید به اجبار از اعمال حقوقش در مشارکت و گفتگو منع شود.	مطلع ساختن درگیر ساختن مرتبط ساختن بسیج ساختن

لذا حوزه عمومی به عنوان مهم‌ترین کانون رویکرد دموکراتیک، جایی است که می‌تواند همانند عصاره دموکراسی، زمینه‌ساز ابراز نظر شده و کارکردهای مناسب آن را داشته باشد. از

1. Public Opinion1
2. Access to media
3. Access to Information
4. Horizontal Access
5.Vertical Access

این رو، اندیشه حوزه عمومی جایگاهی کلیدی در تئوری و عمل مردم‌سالارانه دارد. حوزه عمومی، فضایی است که افراد با هدف اثربخشی در آن حضور می‌یابند. در دیدگاه هابرماس خواسته‌های واقعی جامعه با ارتباط آزاد و بی‌واسطه در عرصه عمومی ظاهر می‌شود. به بیان دیگر، فرض او بر وجود شنونده و گوینده‌های آرمانی و کاملاً عقلانی استوار است که به فهم و درک منظور یکدیگر علاقه‌مند می باشند. برای آن که انسان‌ها جهان اجتماعی مشترکی داشته باشند، باید درباره آنچه واقعی است و آنچه در موقعیت‌های گوناگون هنجاری اجتماع شایسته به‌شمار می‌رود، نوعی اجماع وجود داشته باشد تا تفاهم بین‌الاذهانی و وفاق و اجماع تکوین یابد که مناسب حوزه عمومی است (هولاب، ۱۳۷۸: ۳۱).

به اعتقاد هابرماس، در صورت گسترده بودن حوزه عمومی، ارتباط و مفاهمه میان آن‌ها مستلزم ابزار معینی برای پراکنش و انتشار عقیده و تأثیرگذاری است (نوذری، ۱۳۹۳: ۴۶۷). این ابزار در دوره‌های مختلف، شامل ابزارهای ارتباطی گوناگون؛ از جمله کتاب، مجلات، نشریات، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون بوده و امروزه ابزار جهانی، همه‌گیر، افقی و در دسترس همه؛ یعنی اینترنت، فضای مجازی و رسانه‌های اینترنت‌محور به آن اضافه شده‌اند. مرور سیر تاریخی نظریه حوزه عمومی نشان می‌دهد، چارچوب مد نظر هابرماس آن گونه که او در نظر داشت، محقق نشده است؛ زیرا گسترش دخالت دولت در اقتصاد، جامعه، تولد نهادها و سازمان‌های اجتماعی بزرگ به‌تدریج ماهیت قلمرو حوزه عمومی را تغییر داد و ابزارهای شکل‌گیری و تحکیم حوزه عمومی به ابزار ترویج عقاید و نظرات گروه‌های نفوذ، دولت و احزاب تبدیل شدند. به عبارت دیگر؛ هابرماس با کاربرد عبارت «خان خانی شدن دوباره»[1] نشان می‌دهد حوزه همگانی به جای آنکه عرصه رقابت میان خط‌مشی‌ها و دیدگاه‌های مختلف باشد، به صورت بزنگاهی برای «نمایش» قدرت درمی‌آید (روزنا و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۸۵).

از دیدگاه ارتباطی، وقتی هابرماس از ناکارایی حوزه عمومی و خان خانی شدن دوباره صحبت می‌کند، تأکید اصلی او بر این است که ارتباطات عمودی و اقتدارگرا به جای ارتباطات افقی و دموکراتیک نشسته و عرصه را برای دیدگاه‌های متفاوت، نقاد و مشارکت‌جو تنگ کرده است. هابرماس در اواخر دهه ۸۰ قرن بیستم با پذیرش نگاه منتقدین مبنی بر یک بعدی بودن دیدگاه وی در بحث حوزه عمومی، آن را یکی از نقاط ضعف اثر خود دانست و با تأیید کاستی‌های رهیافت اولیه (تامپسون،۱۳۸۰:۹۰) اذعان داشت؛ با مطالعه اثر «میخائیل باختین» به نام «رابلیاس و دنیای او[2]» به پویایی درونی فرهنگ عامه پی برده است. زیرا این فرهنگ اگرچه بازتابی از فرهنگ مسلط است، اما علیه دنیای سلسله مراتبی پیرامون خود ظرفیت شورش نیز دارد. به همین علت هابرماس تحت تأثیر تحولات، دگرگونی‌ها و توسعه جامعه

1. Refeudalization
2. Rabelais and His World

مدنی در نظریه خود تغییراتی اعمال و ضمن پذیرش «حوزه عمومی جایگزین[1]» به ظرفیت‌های آن برای به چالش کشیدن سلطه نیز اشاره کرد. هابرماس توده عام را به عنوان جمعی متکثر و گوناگون پذیرفت، توده‌ای که می‌تواند نسبت به بازنمایی رسانه‌های توده‌ای در جامعه مقاومت کند و دستور کار سیاسی خود را داشته باشد (والتز،۲۰۰۵:۱۹).

ب– شهروندی در عصر ارتباطات توانمندساز

مفهوم شهروندی[2] که از مفاهیم کلیدی است و با انقلاب کبیر فرانسه متولد شد (دیلمقانی و ثانی، ۱۳۸۲) در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و حقوق، تعاریف مختلف و دوران‌های متعددی را پشت سر گذاشته است؛ در حالی که ارسطو معتقد بود شهروندان کسانی هستند که در قدرت شریکند (گای، ۱۳۸۸: ۵۳).این مفهوم در قلمرو فضا و مکانی به نام دولت – شهر و دولت – کشور معنا و درک می‌شد و ابعاد جغرافیایی داشت (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۴۲). امروز تعریف شهروندی، شامل توانایی تشخیص و رعایت خیر همگانی است (بشریه، ۱۳۸۶: ۲۶۷) و یک شهروند مطلع و آگاه، پیش‌شرط و اساس تحقق هرگونه تغییر و تحول محسوب می‌شود (گودین وتیلی، ۱۳۹۰: ۵۵) زیرا اطلاعات جزء حیاتی موضوع شهروندی است و برای شهروندان این فرصت را فراهم می کند تا وارد عرصه‌های مختلف سیاست بشوند که هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ جمعی سازنده است. در عصر ارتباطات و اطلاعات، شهروندی فقط یک اصطلاح محدود به جغرافیا نیست. در حقیقت، فناوری‌ها تحولی عظیم در همه ابعاد زندگی بشر به‌وجود آورده و عنصر اطلاعات و ارتباطات را به همه زوایا و مناسبت‌های اجتماعی، انسانی و سیاسی وارد کرده و تعمیم داده است. می‌توان ادعا کرد که همه افراد جامعه کم و بیش متأثر از اطلاعات و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات هستند و اساساً شهروندی با صفت‌ها و ویژگی‌های جدیدی مثل شهروند الکترونیکی[3]، شهروند شبکه‌ای یا همان نت‌زیست مطرح می‌شود. از جمله مهارت‌های یک نت‌زیست در قیاس با شهروند به مفهوم سنّتی آن عبارت است از:

۱– مهارت استفاده از رایانه و اینترنت که با برخورداری و بهره‌مندی از این ظرفیت‌ها با اعتماد به نفس بیشتری در شرایط نظم نوین ارتباطی به حیات خود ادامه می‌دهد.

۲– توانایی بهره‌برداری از فناوری‌های ارتباطی نوین؛ مانند پست‌الکترونیک و گپ‌زنی در هر لحظه از شبانه‌روز که می‌تواند با هریک از دوستان و آشنایان و کنشگران ارتباط برقرار کند.

۳– زندگی به روز؛ زیرا قادر است آخرین اطلاعات، اخبار و... را در چند دقیقه جستجو کرده و به‌دست آورد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

در شرایط حاضر که فناوری‌ها چهره سنتی جامعه را دگرگون ساخته و آزادی فردی

1. Alternative Public Sphere
2. Citizenship
3. Electronic Citizen

شهروند را توسعه داده‌اند (دیلمقانی و ثانی، ۱۳۸۲)، سطح دسترسی شهروندان افزایش پیدا کرده و عملاً بستر فعالیت، حوزه آزادی و مسئولیت شهروندان توسعه یافته و شهروند سنتی به نت‌زیست تبدیل شده است. همچنین شهروندان از پتانسیل و ظرفیت‌های به وجود آمده بهره‌برداری کرده و آزادی‌های سیاسی – اجتماعی خود را افزایش داده‌اند (شمسینی غیاثوند، ۱۳۹۱).

این کنشگر که از طریق فضای مجازی[1] و شبکه انتظارات خود را پیگیری می‌کند با مقوله‌ای چون کنش مجازی، سرمایه و گردش اطلاعات، رسانه جایگزین و ... کاملاً آشناست و به عنوان یک شهروند آگاه و فرهیخته نه از مقامات واهمه دارد و نه وظایف اجتماعی‌اش را بر زمین می‌گذارد (العبیدی، ۱۳۸۵)؛ زیرا فناوری جدید و مهارت نبرد انسانی به عنوان مکمل (صادقی و دیگران، ۱۳۸۵)، شهروندان را در جایگاه ویژه رشد یافته‌ای قرار داده است. به عبارت دیگر؛ با پیشرفت و گسترش فناوری اطلاعات، ارتباطات، ظهور شبکه‌ها و جوامع شبکه‌ای، شاهد شکل جدیدی از شهروندی در قالب نت‌زیست‌ها هستیم که یکی از دستاوردهای ظهور و توسعه اینترنت به‌شمار می‌روند؛ دستاوردی که هنوز به آن توجه کافی نشده است . شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت، افراد را (چه شهروندان عادی و چه نت‌زیست‌ها) در سطوح مختلف قادر نموده تا از یک سو مهارت‌هایشان را در جهت انطباق بیشتر با نیازها و پیچیدگی‌های روزافزون جهان تغییر داده و از سوی دیگر با آگاهی از سبک زندگی و شرایط سایر جوامع، سطح انتظارات و مطالباتشان را از نظام سیاسی متبوع خود افزایش دهند. «روزنا» این تحولات را با عنوان «انقلاب مهارت‌ها»[2] توصیف می‌کند که سه بعد تحلیلی، احساسی و تصوری دارد و تمامی آن‌ها به‌طور عمده در اثر پیشرفت‌های فناورانه پدید می‌آیند که ایده‌ها، اطلاعات و تصورات را به زندگی بشر وارد کردند (روزنا،۲۰۰۲:۲۳۳).

به بیان دیگر، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی ظرفیت‌های افراد (جدول-۲) را در زمینه هماهنگی فعالیت‌ها از مجاری کنترل‌ناپذیر افزایش داده‌اند (نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۷۵)؛ زیرا این فناوری‌ها به گفته ویرجینیا و ولف باعث می‌شوند که میل یک مشت سانسورچی برای هجوم و امر و نهی درباره این که هنگام ابراز عقایدمان چه بگوییم و چه نگوییم، تضعیف شود (کین، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

1. Cyber Space
2. Skills Revolution

(جدول-۲) تأثیر فناوری‌ها بر کنشگران سیاسی و اجتماعی

کنشگر	*تغییرات*	*نتایج*
افراد	– ارتقای مهارت‌های فنی و تحلیلی شهروندان – انقلاب مهارت‌ها، تأثیرگذاری مستقیم افراد بر حکومت‌ها	توانایی شهروندان برای تشدید فشار علیه حکومت‌ها
نهادی غیردولتی	– دسترسی به اعضای بی‌شمار به واسطه شبکه‌ای شدن جوامع – امکان تأسیس نهادها و انجمن‌های مجازی	تقویت نفوذ و هماهنگی و فعالیت نهادهای غیردولتی

(پاپ و آلبرت،۱۹۹۷:۲۹۰،۲۷۸)

بررسی سرگذشت مفهوم شهروند و شهروندی به عنوان هویتی پویا و یکی از عناصر اصلی سیاست، اجتماع معاصر و به‌ویژه حوزه عمومی، حاکی از تغییر و تحولات و برداشت‌های متفاوت از این مفهوم مهم در جامعه مدنی و جامعه‌شناسی سیاسی معاصر است. تحول مفهوم حوزه عمومی تا به امروز، ناشی از متغیرهای مختلفی است که یکی از آن‌ها در شرایط حاضر فناوری‌هاست؛ فناوری‌هایی که به بازتعریف رابطه فرد و حکومت منجر شده و اساساً تقسیم‌بندی شهروند به شهروند سنتی، الکترونیک و شبکه‌ای ناشی از این متغیر تأثیرگذار و تعیین‌کننده است؛ زیرا فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی چهره سنتی جامعه را دگرگون ساخته و شهروندان به یمن وسایل الکترونیکی پیچیده می‌توانند به طور روزانه در برنامه متنوع سیاسی شرکت کنند و نشان دهند که آگورای[۱] آتنی دیگر افسانه نیست و فناوری اطلاعات و ارتباطات، شرایط شکل‌گیری آن را فراهم کرده است . پایه‌های شهروندی به گونه‌ای فزاینده در حال تغییر است (ابو، ۱۳۸۵: ۴۸۵) و در پیوند مفاهیم فناوری و جامعه که با هم متحول می‌شوند، مفهوم نوظهوری به نام نت‌زیست مطرح شده است که از اینترنت و منابع شبکه‌ای استفاده کرده (عاملی،۱۳۸۸:۲۴۸) و مسئولیت و مشارکت سیاسی – اجتماعی دارد. جامعه نت‌زیست هم جامعه‌ای با شکل و شمایل جدید است و این جامعه با مختصات خود همچون یک کمون فکری و اجتماعی بزرگ از نت‌زیست‌هاست که تفکر و اندیشه را از انزوا خارج کرده و به عرصه عمومی می‌آورد و متضمن حضور و کنش نت‌زیست‌هاست.

بسترهای ظهور کنش‌گران مجازی در مصر و تونس

الف– تحولات فناوری اطلاعات و اینترنت در مصر

در دهه ۱۹۵۰، رادیو و در دهه ۱۹۶۰، تلویزیون در مصر تأسیس شد، اما ۹۳ درصد از مردم در سال ۱۹۹۶ صاحب تلویزیون شدند و اکنون این آمار به ۱۰۰ درصد رسیده است (سردارنیا، ۱۳۹۲:۲۹۹). در اکتبر ۱۹۹۳ نیز اینترنت وارد این کشور شد، اما برخی معتقد بودند؛ در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ حرکتی برخلاف روند جهانی در مصر صورت گرفت (حافظیان، ۱۳۸۹) البته تحلیل آن‌ها، چندان بی‌پایه و اساس نبود و حداقل براساس شاخص‌ها در حوزه فناوری

۱. میدانی در دولت شهر آتن در یونان باستان که شهروندان برای مباحثه عمومی در آن گرد می‌آمدند.

اطلاعات و ارتباطات، این موضوع تأیید می‌شود (جدول-۳).

(جدول-۳) شاخص‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در مصر (۲۰۰۱)

کشور	تلفن به ازای هر ۱۰۰ نفر	کامپیوترهای شخصی به ازای هر ۱۰۰ نفر	کاربران اینترنت به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
بحرین	۶۷/۱۵	۰/۷۱	۱۹/۲۷
مصر	۱۴/۶۳	۱/۵۵	۹۲/۹۵
عراق	عدم دسترسی	عدم دسترسی	عدم دسترسی
رژیم صهیونیستی	۱۲۸/۴۶	۲۴/۵۹	۸۶/۳۴
کویت	۴۸/۷۹	۱۳/۱۹	۷۱/۱۴
عمان	۲۱/۳۴	۳/۲۴	۴۹/۵۷
امارات متحده عربی	۱۱۱/۶۶	۱۵/۸۳	۳۹/۳۹
تونس	۱۱۰/۸۷	۶۲/۲۵	۱۰/۹۹
آمریکا	۳۲/۷۷	۸/۴۲	۲۴/۸۲
متوسط جهانی	۱۴/۹۰	۲/۳۷	۳۷/۴۱

اما امروز مصر در بین کشورهای عربی، در تولید محتوای رسانه‌ای و استفاده از اینترنت، پیشتاز بوده (سردارنیا،۱۳۹۲:۲۹۹)، تا آنجا که این کشور را به عنوان رهبر رسانه‌ای جهان عرب و خاورمیانه عربی می‌شناسند (قرنی،۱۳۹۱). برخی دیگر از تحلیل‌گران معتقدند؛ حکومت مصر به عنوان اولین کشور صاحب ماهواره مخابراتی، درباره دسترسی به سایت‌های عمومی اینترنتی که به‌زعم برخی نتیجه نزدیکی به غرب بود (قزوینی حائری، ۱۳۹۲ : ۹۴)، هیچ حساسیتی نداشت و هر شهروند مصری به سهولت و با هزینه اندک می‌توانست از مراودات بین‌المللی بهره‌مند شود (نصری، ۱۳۹۱).

این وضعیت مؤید این ادعاست که از نظر به‌کارگیری فناوری‌ها، کشورهای با درآمد پایین و متوسط، رشد سریع‌تری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته دارند (فیوانا، ۱۳۸۳)، برای مثال؛ تعداد کاربران اینترنت در جهان عرب در سال ۲۰۰۰ با افزایش ۷۵ درصدی از دو میلیون به ۳/۵ میلیون نفر در ۲۰۰۱ رسیده است (کورانی، ۱۳۹۳). هرچند دسترسی به اینترنت در مصر تا سال ۱۹۹۳ امکان نداشت، اما به دلایل مختلف از جمله اجبار توسعه اینترنت تا سرعت ۶۴ کیلوبایت که پیش شرط برگزاری کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه در قاهره بود (سردارنیا، ۱۳۹۲ : ۲۹۹)، پذیرش سریع فناوری سایبر در مصر شایان توجه بوده است (جدول-۴). اولین اعضای مصری اینترنت، جامعه دانشگاهی بودند، سپس حجم عظیمی از مردم در سال ۱۹۹۵ اجازه دسترسی به اینترنت پیدا کردند و بعد از سال ۲۰۰۲ استفاده از آن گسترش روزافزون یافت. هنگامی که حکومت یارانه کامپیوتر اختصاص داد، هزینه اتصال تلفن به اینترنت ارزان‌تر شد، تا جایی که وبلاگ‌نویس‌های[1] مصری بزرگترین ساختارهای وبلاگی را ایجاد کردند. در

1. Bloggers

این شرایط، رشد و نفوذ اینترنت بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ دو برابر شد، یعنی از ۱۳/۷ نزدیک به ۳۰ درصد رسید و بخش مهمی از این درصد به اینترنت تلفن‌های همراه اختصاص داشت. قبل از تحولات سال ۲۰۱۱، تعداد کاربران مصری اینترنت از طریق تلفن همراه ۸/۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شد و در سال ۲۰۱۱ با ۱۳/۷ میلیون کاربر بالاترین رتبه را در میان کشورهای عربی به‌دست آورد (Worldstats, 2011) و با رسیدن کاربران اینترنتی به ۲۱ میلیون نفر که نسبت به سال ۲۰۰۰ پنجاه برابر شدند (سالانوا،۲۰۱۲:۳۵). نکته مهم این که ۷۰ درصد از این کاربران را شهروندان زیر ۳۴ سال تشکیل داده‌اند.

(جدول –۴) شاخص‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در مصر بین ۲۰۰۷ – ۲۰۱۱

Country ICT Profile – Egypt					
Indicator	2007	2008	2009	2010	2011
Fixed Line Subscriptions	10,900,000	11,853,000	10,312,600	9,620,000	8,714,200
Mobile Phone Subscriptions	31,550,626	41,295,000	55,352,540	70,642,888	83,502,000
▪ Mobinil	15,117,626	20,115,000	25,350,000	30,224,888	32,900,000
▪ Vodafone	13,333,000	17,611,000	23,330,000	31,768,000	36,802,000
▪ Etisalat Misr	3,100,000	3,560,000	6,672,540	8,627,112	13,728,000
Internet Users	8,620,000	12,570,000	13,890,851	16,670,308	21,671,400
Computer Installed Base	3,304,300	4,295,590	4,822,468	5,413,972	5,878,810
Source: MCIT & Mobile Operators					

World stats,2011-MCIT&Mobile Operators

در بررسی زیرساخت‌های اینترنت مصر مشاهده می‌شود که ارتباطات اینترنتی نسبتاً پیشرفته، به‌وسیله شرکت‌هایی از قبیل IDSC, FRCU, EARN RITNET فراهم شده است. به‌واسطه این شبکه‌ها، مصر شبکه‌ای از سایت‌های متنوع داشته و وجود این شبکه‌های مصری، زمینه‌ساز تداوم رشد اینترنت در این کشور بوده است تا نسبت به سایر ملل خاورمیانه و شمال آفریقا، تعداد زیادی گره[1]های اجتماعی و تجاری با محیط بین‌المللی ایجاد کرده و در نهایت، این منابع بتواند زمینه گسترش شبکه‌سازی را [2]در این کشور فراهم کند.

ب– تحولات فناوری اطلاعات و اینترنت در تونس

گزارش‌ها نشان می‌دهد، وضعیت تونس در سال ۲۰۰۱ در شاخص‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات چندان پیشرفته نیست، اما به اعتقاد برخی، بن‌علی به شیوه‌ای استبدادی توانست این کشور فقیر آفریقایی را به دروازه‌های توسعه برساند (قزوینی حائری، ۱۳۹۲: ۹۵) و در آغاز دهه دوم قرن ۲۱ به‌عنوان تنها دولت رفاه مدرن در بین کشورهای عرب و خاورمیانه‌ای – البته در چارچوب کلی متمرکز و هدایت شده – به شمار می‌رفت (کارشناس و مقدم، ۱۳۹۱:۴۹) که مدرن‌سازی مؤسسات، سکولاریزه[3] شدن دولت و فرایند ملی‌سازی آن بدون مردم‌سالاری سیاسی، بلکه همراه با اقتدارگرایی[4] بود (بن رمضان، ۱۳۹۱). به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، رهبران کشورهای عربی؛ از جمله بن‌علی در صدد بودند از طریق توسعه، توسعه فناوری،

1. Node
2. Networking
3. Secularization
4. Authoritarian

رسانه‌ها و آموزش همگانی، در کنار ایجاد فرصت شغلی احساس یگانگی با دولت را در جامعه به‌ویژه در میان جوانان این کشورها افزایش دهند (هینه بوش، ۱۳۸۶: ۲۷۸). به همین دلیل یکی از زیرساخت‌های ارتباط راه دور بسیار پیشرفته در منطقه شمال آفریقا در اختیار تونس بوده است.در گزارش اتحادیه بین‌المللی مخابرات (۲۰۱۰)آمده است که ۳۴ درصد تونسی‌ها به اینترنت دسترسی داشتند (مقصودی، حیدری، ۱۳۹۱)، و ۶۶ درصد از این کاربران کنشگران اینترنتی زیر ۳۴ سال بودند (همان). به دلیل این شرایط؛ یعنی نرخ نفوذ بالای تلفن همراه و قیمت پایین پهنایی باند این کشور نسبت به سایر کشورهای آفریقایی، مشاهده می‌شود که از جمعیت ۱۰/۲ میلیون نفری، ۹ نفر از ۱۰ نفر تونسی مالک تلفن همراه است (جدول- ۵) و از این کاربران، بخشی در خانه به اینترنت دسترسی دارند. حدود ۷۵/۸ درصد کاربران در محل کار و بخشی هم از کافی‌نت‌ها[1] استفاده می‌کنند. در مجموع شاخص اینترنت در تونس سطح بالایی از رشد کاربران (جدول – ۶ و۷) را نشان می‌دهد.

(جدول-۵) تعداد مشترکین تلفن همراه از هر ۱۰۰ نفر (۲۰۰۰-۲۰۰۹)

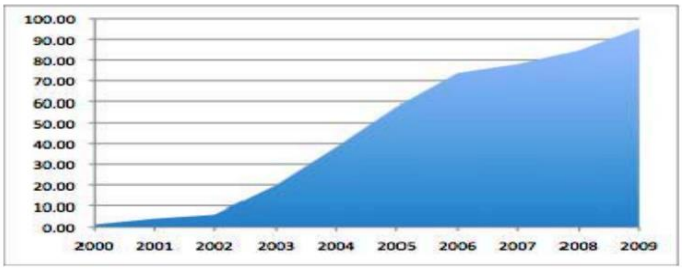

مجله بین المللی ارتباطات ۵-(۱۲۹۸:۲۰۱۱)

(جدول-۶) میزان رشد کاربران اینترنت از هر ۱۰۰ نفر (۲۰۰۰-۲۰۰۹)

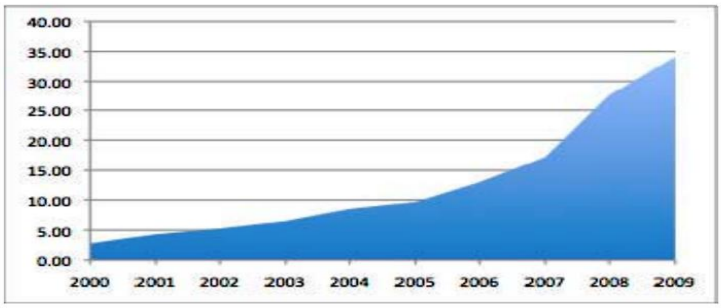

مجله بین المللی ارتباطات۵-(۱۲۹۶:۲۰۱۱)

1. Internet Cafes

(جدول–۷) کاربران اینترنت در تونس در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ و تعداد کاربران تونسی حاضر در فیس بوک

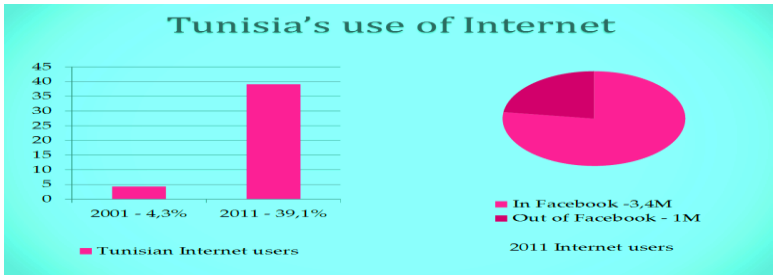

www.facebook.com

ارتباطات اینترنتی در تونس برخلاف مصر، توسط یک منبع یعنی شبکه فناوری و تحقیقات ملی[1] فراهم می‌شد. این شبکه از سال ۱۹۹۱ به محققان تونسی مجوز ارتباط و تبادل فایل از طریق منابع علمی را اعطا کرد. شبکه تحقیقاتی تونس به ۴۰۰ پست الکترونیک شبکه تحقیقاتی دانشگاهی اروپا و برخی شبکه‌های دیگر متصل بود. این وضعیت شرایط را برای گسترش شبکه‌سازی در تونس از طریق مجامع دانشگاهی، نهادهای حکومتی و اقتصادی فراهم می‌کرد. به‌طور کلی برنامه تحقیق تونس در فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباطات راه دور در دسامبر ۱۹۸۶ از طریق حکومت آغاز شد و عواملی چون ثبات اقتصادی، محیط سیاسی و اقتصاد بین‌المللی بر آن تأثیرگذار بودند. تونس در ژوئن ۲۰۱۰ حدود ۳/۶ میلیون کاربر اینترنتی داشت که ۳۴ درصد جمعیت کل کشور بود و از این تعداد کاربران اینترنتی، ۱/۶۷۱/۸۴۰ کاربر فیس‌بوک بودند. یک نفوذ تقریباً ۱۵/۸ درصدی، تونس که بالاترین سیستم‌های فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی را جذب کرده بود، درصد بالایی از کاربران شبکه‌های اجتماعی را هم داشت و این درصدها در طی اولین سال تحولات عربی افزایش یافت تا جایی که در دسامبر ۲۰۱۱ تونس ۳/۸۵۶/۹۸۴ کاربر اینترنتی داشت؛ یعنی تقریباً ۳۶/۳ درصد جذب و ۲/۷۹۹/۲۶۰ حساب فیس‌بوکی؛ یعنی ۲۶/۳ درصد جذب.

ج–شبکه‌های اجتماعی در مصر

از آغاز سال ۲۰۰۷، رژیم مصر نظارت بر اینترنت و از جمله وبلاگ‌ها را در برنامه سیاسی‌اش تقویت کرد، البته این حرکت ذیل برنامه مبارزه با تروریسم[2] بود؛ زیرا اینترنت و اجزای آن یک ابزار اعتراضی مؤثر به شمار می‌رفت و تقاضا برای تغییرات اجتماعی به‌ویژه در فیس‌بوک به صورت مکرر مطرح می‌شد، اما در مقایسه اوضاع مصر با تونس باید گفت که اوضاع مصر متفاوت بود و بین حکومت و کاربران شبکه‌های اجتماعی و از جمله

1. RNRT
2. Terrorism

وبلاگ‌نویسان مبارزه شکل گرفته بود، چیزی که وائل غنیم از آن به عنوان نبرد وبلاگ‌نویسان (غنام،۲۰۱۱:۴)، یاد می‌کند.

با توجه به آمار جهانی، مصر در فوریه (۲۰۱۰) ۱۷/۰۶۰/۰۰۰ کاربر اینترنتی داشت؛ یعنی ۲۱/۲ درصد از جمعیت و آمار ۳۰ دسامبر ۲۰۱۰ تعداد ۴/۵۹۵/۱۶۰ کاربر فیس‌بوک را نشان می‌دهد که حاکی از جایگاه این شبکه اجتماعی در مصراست (جدول – ۸). هرچند در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۰ تقریباً ۹۱ درصد از شبکه‌های مصری به طور مؤثری سرکوب شدند، اما رشد شبکه‌های اجتماعی مانند ابداع فیس‌بوک عربی[1] در سال ۲۰۰۹، به‌رغم تلاش‌های حکومت برای محدود کردن شبکه‌ها و استفاده آن‌ها برای مخالفان حکومت اتفاق افتاده است (مارک و کنت،۲۰۱۲)، به‌گونه‌ای که بعد از تولد فیس‌بوک عربی بین ژانویه ۲۰۰۹ تا اواخر ۲۰۱۰ کاربران فیس‌بوک از ۹۰۰ هزار نفر فراتر رفت و تا مرز ۵ میلیون کاربر رسید . بخش قابل توجهی از این کاربران را زنان تشکیل می‌دادند که به طور نسبی به حاشیه رانده شده و با ابزارهای جدید توانسته بودند یک صدای سیاسی به‌دست آورند (مالک،۲۰۱۴:۱۱).

نمونه بارز استفاده از فیس‌بوک برای کنش‌گری سیاسی، اسراء عبدالفتاح زن مصری است. همچنین می‌توان به فعالیت‌های اسماء محفوظ، نواره نجم و سمیره ابراهیم اشاره کرد. نواره نجم در ۲۱ ژانویه ویدئویی از یک کنشگر بارگذاری کرد که می‌گفت: این دختر را می‌بینید؟ او می‌خواهد به راهپیمایی برود، اسماء محفوظ هم با طعنه‌های ماهرانه می‌گفت: هرکه می‌گوید زن‌ها نباید به اعتراضات بپیوندند، چون کتک خواهند خورد، اندکی شرف و مردانگی داشته باشد و در ۲۵ ژانویه با من به خیابان بیاید. اگر تو مردی و شرافت و کرامت داری بیا و از من و دیگر دختران حاضر در اعتراض محافظت کن (کاستلز،۱۳۹۳:۶۹).

(جدول–۸) مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده در مصر

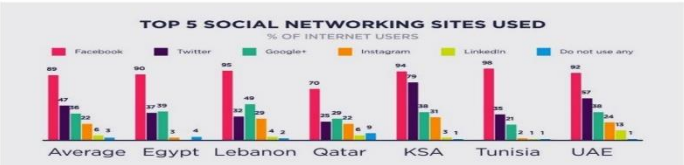

www.facebook.com

در حالی که مصر در منطقه خاورمیانه عربی پیشگام شبکه‌سازی است (کریشنر،۱۳۸۳)، برخی معتقدند برای نخستین بار جنبش الکفایه از اینترنت و وبلاگ‌ها برای بیان اهداف، دیدگاه‌ها و اعتراضات خود استفاده کرد و این امر در مراحل اولیه توانست به صورت محدود، جبرانی برای انسداد مطبوعاتی در مصر باشد (فارس،۲۰۱۰:۷). سازمان اخوان‌المسلمین در سال ۲۰۰۷، دو وب‌سایت به نام شبکه اخوان[2] و اخوان آن‌لاین[3]را طراحی و تأسیس کرد و این

1 .Arabic Facebook
2. Ikhvanweb
3. Ikhvan online

سازمان به دلیل نفوذ ژرف در جامعه و بیشتر اقشار مصر توانست از شبکه‌های اجتماعی به نحو مطلوب‌تری استفاده کند (سردارنیا، ۱۳۹۲:۳۰۳). حتی در می ۲۰۱۰ اخوان‌المسلمین نسخه فیس‌بوک ویژه خود را با عنوان Brotherbook ایجاد کرد که بعدها نام آن را به Ikhwanbook تغییر داد (موثقی گیلانی، عطارزاده، ۱۳۹۱). برخی دیگر، تأسیس شبکه‌های اجتماعی در مصر را به جنبش ۶ آوریل جوانان در سال ۲۰۰۸ اعتصابات کارگری در شهر دلتا در اعتراض به کاهش دستمزدها و افزایش قیمت‌ها پیوند داده‌اند (سردارنیا: ۱۳۹۲:۳۰۴).

د– شبکه‌های اجتماعی در تونس

در تونس که به عنوان یکی از دشمنان اینترنت[1] (گزارشگران بدون مرز، ۲۰۱۰) معروف بوده است، شبکه‌سازی و ظرفیت‌های مختلف شبکه‌های اینترنتی تهدیدی علیه کشور تصور می‌شد. این موضوع رژیم بن‌علی را به سانسور، کنترل محتوای سیاسی، اجتماعی و مخالفان سیاسی مؤثر، رسانه‌های مستقل و سایت‌های حقوق بشری سوق می‌داد. با این همه، تعداد کاربران اینترنتی تونس در ژوئن ۲۰۱۰، ۳/۶ میلیون نفر بود که ۳۴ درصد جمعیت کشور محسوب می‌شد. علاوه بر این، ۱/۶۷۱/۸۴۰ کاربر فیس‌بوک داشت که مهم‌ترین شبکه اجتماعی نت‌زیست‌ها بود (جدول – ۸).

اسناد و مدارک نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۰، تونس دارای بالاترین فناوری‌های جدید و سیستم اطلاعاتی و درصد بالایی از کاربران اجتماعی بود. به اعتقاد برخی کارشناسان، شبکه‌های اجتماعی تونس زمانی شدیداً کنترل و مورد حمله قرار گرفتند که به‌زعم رژیم، کاربران آن اقدامات امنیتی انجام می‌دادند. برای مثال؛ فیس‌بوک در آگوست ۲۰۰۸ مسدود شد؛ زیرا معترضان اجتماعی را تقویت می‌کرد و بن‌علی را مجبور به واکنش کرد، اما با وجود کنترل‌های شدید و فشار حکومتی بر کاربران اینترنت از جمله وبلاگ‌نویسان تونسی، برخی بر این واقعیت تأکید دارند که همین محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها به ظرفیت پرانرژی برای آگاه-سازی و پیوند بیشتر مردم تبدیل شد و این موضوع به‌ویژه برای جوانان تونسی زیر۳۰ سال اتفاق افتاد که ۵۲/۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند. از میان شبکه‌های اجتماعی مختلف، دو شبکه اجتماعی مورد اقبال جوانان تونسی هم – مثل سایر کشورهای منطقه – فیس‌بوک و توئیتر بود که در مباحثه بین کاربران و ارتقای آگاهی سیاسی آن‌ها بسیار مؤثر بوده است.

کنشگران نوظهور در جوامع پدر سالار عربی

الف– نت‌زیست‌ها در مصر

روند جامعه مدنی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله مصر، این واقعیت را

1.Enmies Of the Internet

نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها به طور کلی جایگاهی برای شهروندان قائل نیستند و اساساً مفهوم شهروند و جامعه مدنی در آن‌ها شکل نگرفته است. هرچند در برخی نقاط، درجاتی از فعالیت‌های شهروندی و مدنی به چشم می‌خورد، اما در مجموع موضوع شهروند و جامعه مدنی شکننده و مبهم بوده (فیرحی، ۱۳۷۹) و بیشترین دغدغه شهروند خاورمیانه‌ای را دو مقوله معاش و امنیت تشکیل داده است. امروز با توجه به گسترش و پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، زمینه برای تولد نسلی فراهم شده که به نسل شبکه‌ای[1] و نت‌زیست‌ها معروف هستند که با کمک ابزارهای نوین توانسته بسیاری از موانع را پشت سر گذاشته و با سهولت بیشتری به دنبال تحقق آرمان‌های خود باشد. این نسل در سال‌های اخیر با گسترش رسانه‌های شهروندی و وسایل ارتباطی جدید و ... با پناه بردن به شبکه‌های اجتماعی (جدول – ۹) در پی رهایی از قید حصارهای دیکتاتوری و پدرسالاری عربی[2] برآمده‌اند (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

(جدول–۹) مهم‌ترین منابع خبری شهروندان مصری

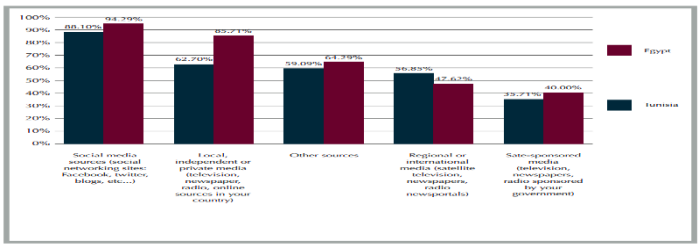

Arab social media report,2011,vol1,No2

تولد نت‌زیست‌ها در شبکه اینترنت به عنوان فناوری نهایی آزادی (سی و کاستلز،۲۰۰۷)، موضوعی گسترده، همه‌گیر و جهانی است، اما در کشورهایی که زمینه اقتدارگرایی دارند و شهروندی آن‌گونه که باید و شاید شکل نگرفته یا در محاق هستند از رونق بیشتری برخوردار است. برای مثال؛ در تحلیل موفقیت تحولات کشورهای عربی یکی از عوامل تعیین‌کننده، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌ویژه سیستم پیامک تلفن همراه و وبلاگ‌ها معرفی شده‌است، زیرا در کشورهای اقتدارگرایی که رسانه‌های سنّتی توسط حکومت کنترل می‌شوند، اینترنت فضایی منحصر به فرد برای مباحثه، تبادل اطلاعات و محمل مناسبی برای اعتراض و بسیج مردم بوده است.

ظهور و گسترش نت‌زیست‌ها به‌عنوان نسل جدیدی از شهروندان در مصر که پس از سال ۱۹۹۰ به بعد شاهد رشد ۶۵ درصدی جمعیت جوان ۱۵–۲۹ ساله بوده (گلدستون، ۱۳۹۰) که تحرک روانی نسبتاً بالایی نیز داشته‌اند، از ویژگی‌های دوران جدید است. این موضوع به تحولات انقلابی سال ۲۰۱۱ مصر خلاصه نمی‌شود، بلکه شجره‌نامه‌ای درخصوص کنش‌های

1.Network Generation
2.Arabic patriarchy

آنلاین نت‌زیست‌ها وجود دارد که به تحولات سال ۲۰۰۵ و ظهور جنبش ۶ آوریل علیه حکومت مبارک برمی‌گردد. همان‌گونه که با بازتر شدن فضای رسانه‌ای در سال ۲۰۰۴، شاهد ظهور وبلاگ‌ها در صحنه مصر بودیم و این ظهور به تکثیر مخالفان رژیم در اینترنت منجر شد (فارس،۲۰۱۰:۸)، در آوریل ۲۰۰۸، دانش‌آموزان نیز با استفاده از فیس‌بوک به انفعال دولت در قبال افزایش قیمت مواد غذایی اعتراض کردند (مارک و کنت،۲۰۱۳). در سال‌های بعد، دانش‌آموزان مصری و جوانان حرفه‌ای با استفاده از فیس‌بوک به تبادل نقدهای ناشناس از برنامه‌های دولت و تنظیم جلسات اعتراض خود در صفحات فیس‌بوک و تلفن همراه پرداختند (همان). در مجموع می‌توان گفت؛ امروز با رشد و نفوذ نسبتاً بالای کاربران در مصر (جدول – ۱۰و ۱۱) شاهد یک نسل به یادماندنی هستیم. خلیل‌العنانی از نویسندگان روزنامه‌الاهرام معتقد است: نسل جدیدی از جوانان در مصر ظهور کرده‌اند...، آن‌ها در ارتباطات الکترونیک و اینترنتی درگیرند (سردارنیا، ۱۳۹۲: ۳۰۶). نسلی که با سواد دیجیتالی در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی حضور گسترده داشته و نسل ۲,۰ را تشکیل می‌دهد. این نسل که در مقایسه با سایر بخش‌های جمعیت، حریصانه‌تر از شبکه استفاده می‌کند (عبدالله،۲۰۰۷:۵۰)، به خوبی نشان داده که می‌تواند از فضای مجازی برای بیان دیدگاه‌ها و تحقق آرمان‌هایش بهره ببرد (آل‌غفور، رومی، ۱۳۹۲). در حالی که قبل از سال ۲۰۰۰ لیبی، سقف آرزوها و انتظارات مصری‌ها بود، اما بعد از سال ۲۰۰۰ با ورود رسانه‌های اجتماعی ترکیه و برزیل، توجه آن‌ها را جلب کرد و آن‌ها را به تفکر واداشت که شرایط آن‌ها هم می‌تواند بهتر از شرایط فعلی‌شان باشد (غبرا، ۲۰۱۵).

(جدول–۱۰) مقایسه کاربران اینترنت در مصر در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۱

کشور	جمعیت (۲۰۱۱)	کاربران اینترنت دسامبر ۲۰۰۰	کاربران اینترنت دسامبر ۲۰۱۱	میزان نفوذ
مصر	۸۲/۰۷۹/۶۳۶	۴۵۰/۰۰۰	۲۱/۶۹۱/۷۷۶	۲۶/۴

Internet world stats

(جدول –۱۱) سیر رشد کاربران اینترنت در مصر

سال	تعداد کاربران	جمعیت کل کشور	میزان نفوذ
۲۰۰۰	۴۵۰/۰۰۰	۶۶/۳۰۳/۰۰۰	٪۷
۲۰۰۶	۵/۱۰۰/۰۰۰	۷۱/۲۳۶/۶۳۱	٪۷
۲۰۰۸	۱۰/۵۳۲/۴۰۰	۷۸/۸۶۶/۵۳۵	۱۲/۹
۲۰۰۹	۱۶/۶۳۶/۰۰۰	۸۱/۷۱۳/۵/۷	۲۱/۱
۲۰۱۱	۲۰/۱۳۶/۰۰۰	۸۲/۰۷۹/۶۳۶	۲۴/۵

Internet world stats, "Egypt: Internet Usage and Telecommunications

ب– نت‌زیست‌ها در تونس

با تبدیل شدن اینترنت به فضای عمومی قرن بیست و یکم (آل غفور، رومی، ۱۳۹۲)،گسترش بسیار سریع فناوری‌های ارتباطی نوین و امکان ظهور کنشگران جدید (نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۴)، در دنیای عرب از جمله در تونس (هوارد،۲۰۱۱)، بعد از سال

۲۰۰۰ (جدول -۱۲) از یک سو شاهد اختصاص ۳۸ درصد از جمعیت کشور به جوانان، رشد ۵۰ درصدی جمعیت جوان ۲۹-۱۵ ساله در این کشور و ظهور پدیده تورم جمعیت جوان[1] از سال ۱۹۹۰ به بعد هستیم. از سوی دیگر، با شکسته شدن سریع جامعه سنتی (لرنر، ۱۳۸۳: ۲۳)، زمینه برای ظهور نت‌زیست‌ها در تونس بسیار فراهم شد و نسلی از شهروندان تونسی همانند برخی دیگر از کشورهای عربی ظاهر شدند که می‌دانستند با استفاده از اینترنت، می‌توانند پیام‌ها و مباحثات اسلام‌گرایانه، آزادی‌خواهانه و مردم‌سالارانه خود را به اشتراک گذاشته، منتشر کنند و به دنبال ساختار سیاسی متفاوت با ساختار سیاسی حاکم باشند (عشوری مقدم، ۱۳۸۹)؛ زیرا فناوری ارتباطی، میزان اثرگذاری این نوع شهروند را نسبت به شهروند عادی افزایش داده (گرام، ۱۳۹۳) و اینترنت می‌تواند ظرفیت اثرگذاری سیاسی را ارتقا دهد. این نشان‌دهنده این واقعیت است که ادراکات عمومی بسیار سریع‌تر از بازی دیکتاتورها تغییر می‌کند و مردمی که در گذشته از کمترین شانسی برخوردار نبودند، به صف مشارکت‌کنندگان پیوسته‌اند (لرنر، ۱۳۸۳: ۲۵). انفجار استفاده از فناوری‌های جدید در قرن تغییر، جدیدترین تهدید برای رژیم‌های اقتداری است و اشتیاق به بیان نظرات و مشارکت سیاسی که جوانان و مخالفان به راحتی قادر به اعلام در کشورشان نیستند به مدد فناوری‌های جدید و تعریف جدید از شهروندی با شکل‌های جدید و غیرمرسوم کنش‌گرایی تأمین می‌شود.

(جدول -۱۲) کاربران اینترنت در تونس

کشور	جمعیت (۲۰۱۱)	کاربران اینترنت (دسامبر ۲۰۰۱)	کاربران اینترنت (دسامبر ۲۰۱۱)	میزان نفوذ
تونس	۱۰/۶۲۹/۱۸۶	۱۰/۰۰۰	۳/۸۵۶/۹۸۴	۱۹/۸

Internet world stats

بررسی فرایند نقش‌آفرینی نت‌زیست‌ها در شکل‌گیری حوزه عمومی جایگزین

برای اینکه بدانیم پایگاه‌های شبکه‌سازی چگونه شهروندان را تبدیل به نت‌زیست می‌کند، باید فراتر از ارتباطات و سرعت به اینترنت نگاه کنیم. مزیت همگرایی و همراهی چاپ، ویدئو و رادیو به بهترین نحو ممکن نشان می‌دهد که چگونه در جهان عرب شهروندان توانستند با استفاده از رسانه‌های اجتماعی خود که قبل از انقلاب‌های اخیر، به عنوان رسانه‌های حاشیه‌ای، جایگزین و نخبه‌گرا توصیف شده‌اند، از شرایط و فضای عمومی و سنّتی که معمولاً به عنوان افراد حاشیه‌ای به آن‌ها نگریسته می‌شد، عبور کرده و شرایط جدید را ایجاد کنند. البته در همه تحولات کشورهای عربی ثابت شد که همین شهروند پایمال شده و به حاشیه رانده شده، اولین میخ را بر تابوت حکومت‌ها و نظام‌های ستمگر می‌کوبد و آن‌ها را فرو می‌ریزد. این نوع تحول و حرکت، قدرت را از رسانه‌های گروه حاکم گرفت و به مردم عادی داد. به عبارت دیگر؛ از یک سو، مردم این کشورها با ظهور رسانه‌های نوین به‌تدریج واقعیت کشورشان را دریافتند و

1. Inflation Of Yong Population

روز به روز بر آگاهی و اطلاعاتشان افزوده شد و همین روند، مردم را با جایگاه فعلی و جایگاهی که باید داشته باشند آشنا کرد تا برای انتقال بین این دو جایگاه چاره‌ای بیندیشند (غبیشاوی،۱۳۸۹).

از سوی دیگر، به گروه‌ها و افراد اجازه داد، افکار، ایده‌ها، عقاید و دردهای خود را با طیف وسیعی از مخاطبان به اشتراک گذارند. نگاهی به آمارهای ارائه شده توسط فیس‌بوک به - عنوان تأثیرگذارترین شبکه اجتماعی نشان می‌دهد، بیش از ۲۱ میلیون کاربر فیس‌بوکی در جهان عرب وجود دارد. این آمار در سال ۲۰۰۹، ۱۵ میلیون نفر بوده است . در حالی که تمام گردش روزنامه‌های عربی به زبان عربی، انگلیسی و فرانسوی کمتر از ۱۴ میلیون است. همچنین معرفی زبان عربی برای فیس‌بوک در مارس ۲۰۰۹ موجب شد ۳/۵ میلیون نت‌زیست در جهان عرب به این شبکه ملحق شوند که از این آمار بیشترین تعداد، متعلق به مصر بوده است. به‌طور کلی بیش از ۴/۶ میلیون کاربر در مصر، ۲/۱ میلیون کاربر در امارات متحده عربی، ۱/۸ میلیون کاربر در تونس، ۲/۴ میلیون کاربر در مراکش در فیس‌بوک صفحه شخصی دارند. (کالج دولتی، دوبی ۲۰۰۱).

مطالعات انجام شده در مؤسسه تحقیقاتی اورلی نشان می‌دهد، ۶۰ درصد از کاربران فعال فیس‌بوک در منطقه (MENA)[1] کاربران زیر ۲۵ سال هستند و از هر ۱۰ کاربر، ۶ نفرشان مرد است. نکته مهم‌تر این‌که این منطقه شاهد سریع‌ترین رشد در پذیرش کاربران گروه سنی بالای ۵۵ سال بوده است. توئیتر، پایگاه دیگری است که به سرعت در حال رشد و پیشرفت است. در این زمینه هرچند آمار کاملی از وضعیت این پایگاه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دست نیست، اما فعالیت‌های این پایگاه در سال‌های اخیردر منطقه افزایش داشته و کاربران آن در منطقه و به‌ویژه مصر نیز رشد کرده‌اند. با مرور آنچه گذشت، رشد انفجاری پایگاه‌های اجتماعی مشابه فیس‌بوک و توئیتر و تولد نت‌زیست‌ها به‌عنوان اجزای مهم در شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی[2] در جهان عرب تا حدودی با یک تغییر اجتماعی از واقعیتی عمومی و مشترک در منطقه قابل توضیح است. مثلاً در جهان عرب واقعیت مشترک این است که دولت‌ها محیط رسانه‌ای را کاملاً کنترل می‌کنند و فضا برای آزادی بیان وجود نداشته یا بسیار محدود است. بنابراین، پایگاه‌های شبکه‌سازی اجتماعی با عاملیت نت‌زیست‌ها، شبکه‌های غیررسمی را گسترش داده و فضایی برای تولید و به اشتراک گذاشتن مسائل فراهم کرده‌اند که پیش از این قابل دسترسی نبود. همه این امکانات به یک برداشت واقعی منجر می‌شود و به احتمال بسیار زیاد، شرح متضادی از حوادث نسبت به گزارش‌های رسانه‌های جمعی ارائه می‌کند، زیرا این پایگاه‌ها فضاهای جایگزین متفاوتی برای ارتباطات و اشتراک‌گذاری فراهم آورده‌اند تا قدرت الگوی رسانه‌ای حاکم را مهار کنند. جایی که عامل مالکیت ابزارهای ارتباطات، صاحب آن را

1.Middle East and North Africa
2.Virtual Public Sphere

قادر می‌سازد آنچه را انتخاب و گزینش کند که قرار است دیگران دریافت کنند و درنتیجه بر آگاهی و ادراک آن‌ها، نسبت به آنچه که می‌توانند و نمی‌توانند انجام دهند، تأثیرگذار باشد (بنکلر، ۲۰۰۶)، به علاوه، این دسته از رسانه‌های جدید با تلاش‌ها و ترفندهای نت‌زیست‌ها امکان شنیده شدن صدای مردم و گروه‌های جامعه به حاشیه رانده شده را به وجود آورده‌اند. شهرت شبکه‌هایی مانند فیس‌بوک و وبلاگ‌ها، ظرفیت این پایگاه‌ها را چنان تقویت کرده و گفت‌وگوها و مناظره‌ها را تا جایی پیش برده که به شهروندان معمولی هم امکان می‌دهد بخشی از اجتماع و شبکه موفقی باشند که می‌توانند فعالانه در تولد و ظهور یک حوزه عمومی مشارکت کنند.

در کشورهای عربی، شهروندان و به‌ویژه نت‌زیست‌ها به‌طور روزافزونی از پایگاه‌های شبکه‌سازی اجتماعی به عنوان یک فضای عمومی استفاده می‌کنند تا بر سر موضوعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به بحث و گفت وگو بپردازند. آنچه برای چندین دهه تحت نظارت و کنترل بود، امروز شهروندان توانمند شده با فناوری اطلاعات و ابزارهای نوین آن می‌توانند بر سر موضوعاتی چون فساد و رشوه‌خواری، شکنجه، تبعیض، حقوق بشر، عقاید دینی اسلامی، انتخابات، حاکمان و غیره بحث و مناظره کنند، این پایگاه‌ها به عنوان ابزاری مناسب برای گسترش منافع عمومی، توزیع فرهنگ مخالفت، تقویت ایده‌های مغایر با نظرات حکومت و پرورش و آزادسازی قابلیت‌های شهروندان و دموکراسی به کار گرفته می‌شوند. رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌ها که نسل جدیدی از ارتباطات را تعریف می‌کنند، توانایی نامحدود و زیادی در ایجاد ارتباط و پیوند و اشتراک‌گذاری و کاوش در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ارائه کرده‌اند. این نوع از رسانه‌ها که به زعم برخی، مهم‌ترین جهش در تاریخ بشر هستند (امیدیار، ۲۰۱۴)، در کشورهای عربی فرصت‌های جدیدی برای ابراز موجودیت شهروندان، خوداظهاری و درک متقابل ایجاد کردند. پیش از وجود این رسانه‌ها، تنها رسانه‌های خبری منطقه توسط دولت‌ها سانسور می‌شد و هیچ کس اجازه نداشت حقایق را بیان کند و اگر هر تشکیلات، انجمن یا نهاد مدنی یا شبه‌مدنی دست به چنین کاری می‌زد، دولت آن‌ها را سرکوب می‌کرد.

این سرکوب‌ها حتی در لائیک‌ترین کشور عربی یعنی تونس به حدی گسترش یافته بود که مورد اعتراض مجامع جهانی هم واقع شد . بعد از ظهور نسل جدید رسانه‌ها، خاورمیانه و منطقه عربی نیز شاهد رشد فوق‌العاده‌ای بوده و رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌ها شرایطی را فراهم کردند که مردم بتوانند افکار و نظرات خود را در موضوعات و مسائل مختلف بیان کنند. با تولد شبکه‌هایی نظیر فیس بوک و توئیتر، مردم منطقه فرصت یافتند تا ارتباطات را در کنترل خود بگیرند و قدرتی داشته باشند که سال‌ها در آرزوی آن بودند. جوانان و زنان عربی به عنوان کاربران مؤثر شبکه‌های اجتماعی، از سال ۲۰۰۰ به بعد، به کافی‌نت‌ها دسترسی پیدا کردند و می‌توانستند از آن به عنوان ابزارهای اولیه در راستای مقاصد خود استفاده کنند و در مصر،

همین بهره‌برداری از کافی‌نت‌ها سبب شد، رفعت رضوان، رییس مرکز اطلاعات کابینه حسنی مبارک، مطرح کند که کافی‌نت‌ها باید تحت کنترل قرار گیرند و بر موارد ارسالی از طریق اینترنت که می‌تواند برای کشور تهدیدآمیز باشد، نظارت شود (مقدس، اکوانی، ۱۳۹۱) اما در سال‌های بعد، این وضعیت متحول شد؛ به گونه‌ای که در آغاز سال ۲۰۰۹ بیش از نیمی از مردم مصر تلفن همراه در اختیار داشتند و در پایان سال ۲۰۱۰، این آمار به نزدیک سه چهارم رسید، یعنی اکثریت مردم مصر دارای تلفن همراه بودند (کول،۲۰۱۴:۹).

در تونس حتی اوضاع بهتر از این بود؛ یعنی در سال ۲۰۰۹ افراد؛ اعم از فقیر و غنی یک تلفن همراه داشتند. در سال ۲۰۱۰، میلیون‌ها نفر از جوانان منطقه به عنوان نت‌زیست‌ها در اینترنت و بیش از ۱۵ میلیون نفر از اعراب در فیس‌بوک حضور داشتند که ۵۰ درصد از آن‌ها با زبان انگلیسی، ۲۵ درصد فرانسوی و ۲۵ درصد دیگر به زبان عربی با یکدیگر در ارتباط و تعامل بودند. در این جمع، جوانان ۲۰ – ۱۵ ساله، سه چهارم کاربران فیس‌بوک را تشکیل می‌دادند (همان)؛ به عبارت دیگر در این سال‌ها، با ظهور رسانه‌های جدید، جنب و جوش فوق‌العاده و مستمر شهروندان در عرصه فضای مجازی شکل گرفت و پیش‌بینی می‌شد به زودی به مرز ۱۰۰ میلیون نفر برسد (غنیم،۲۰۱۱). جوانان پرشور منتقد با وب‌گردی و گشت و گذار در اینترنت، آن را به عنوان ابزاری برای بیان خشم و نارضایتی خود از مسائل و مشکلات روزمره تبدیل کردند، مشکلاتی که ریشه‌های مختلف داشت (خمیس،۲۰۱۲). به‌طور کلی قبل از تحولات میدانی، در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله مصر و تونس، جوامع توده‌ای پرجنب و جوش ذیل حوزه عمومی مجازی شکل گرفته بود که در آن مباحث مختلفی بدون کنترل و سانسور مطرح می‌شد. به علاوه تونسی‌ها و مصری‌ها وبلاگ‌نویسان فعالی داشتند که مباحث انتقادی و سوءاستفاده‌های حکومت را افشا می‌کردند.

تحلیل یافته‌ها

تحولات مصر و تونس: هم‌افزایی فناوری و رفتار سیاسی– اجتماعی

دلایل بنیادی تحولات سیاسی ـ اجتماعی مصر و تونس در بسیاری موارد با یکدیگرشباهت دارند؛ حتی اگر متفاوت هم بوده باشند، چند موضوع و عامل مشترک در هر دو وجود داشته و نقش مؤثری ایفا کرده است: ۱- وجود حکومت‌های اقتدارگرا ۲-جامعه و کنشگران ضعیف و منفعل ۳- فقدان حوزه عمومی فعال ۴- هژمونی حکومت بر رسانه‌های رسمی ۵- دسترسی به رسانه‌های اجتماعی و فناوری تلفن همراه. در یک نگاه کلی، کلودت آرت ویک معتقد است: در زمینه‌سازی و وقوع تحولات کشورهای مصر و تونس، ما شاهد امتزاج و هم‌افزایی فناوری و رفتار اجتماعی بوده‌ایم، ترکیبی که در وقوع انقلاب‌ها نقش بزرگی

داشت. او این پدیده را «فناوری اجتماعی»[1] می‌نامد و بر این باور است که این ترکیب و روابط در سطوح مختلف قابل مشاهده است؛ از آگاه‌سازی شهروندان تا سازمان‌دهی معترضین، از پوشش رسانه‌ای وقایع تا واکنش‌های حکومت به تحولات مخصوصاً تلاش برای کنترل رسانه‌های سنّتی و رسانه‌های اجتماعی (الکس،۲۰۱۱). دریک نگاه کلی می‌توان گفت برخی از مهم‌ترین تحولاتی که در حوزه عمومی مجازی و با عاملیت نت‌زیست‌ها قبل از تحولات عینی و میدانی در مصر و تونس به وقوع پیوست عبارتند از:

الف – آزادی شناختی[2]

تقریبا بر کسی پوشیده نیست که شناخت سیاسی، عاملی کلیدی در تکامل بشر محسوب می‌شود که به تقویت همکاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های گروهی در راستای حفظ و بقای آدمی کمک کرده (کاستلز،۱۳۹۳:۳۰۶)، و در یک محیط سرشار از تهدید و اضطراب نیز به پردازش اطلاعات دقیق منجر می‌شود. تلاش‌های بیشتر منجر به کسب اطلاعات مضاعف می‌شود و این چیزی است که در جریان تحولات مصر و تونس به وقوع می‌پیوندد.

در دوره اعتراضات قبل از انقلاب و حوادثی که رخ می‌داد، شهروندان مصری و تونسی از طریق رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی شناختی به دست آوردند که مک آدام آن را «آزادی شناختی» می‌نامد. (مک آدام،۱۹۸۲). به‌عبارت دیگر؛ شبکه‌های اجتماعی با گسترش و تعمیق دامنه ارتباطات شهروندان در فضای مجازی، موجبات شناخت و آگاهی بیشتر نسبت به حقوق تضییع شده آن‌ها، وجود عقب‌ماندگی‌های ساختاری و غیر ساختاری، افزایش دامنه مطالبات و تقاضا برای تغییر و تحولات اساسی و بنیادین در عرصه‌های مختلف را فراهم کردند.

ب– تقویت سرمایه اجتماعی

از آنجا که افراد درگیر در تحولات انقلابی، سطوح بالایی از همگرایی و جذب در انواع شبکه‌های اجتماعی را نشان می‌دهند، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند منبع تولید کننده سرمایه اجتماعی در میان کنشگران و روابط میان آن‌ها قلمداد شوند. کراول معتقد است: با تنوع روابط، افراد به طیف وسیعی از حمایت‌های مختلف؛ شامل حمایت‌های ابزاری، حمایت‌های عاطفی، روحی و حمایت‌های اطلاعاتی دست می‌یابند (کراول، ۲۰۰۴) و در این شرایط است که شهروندان قادرند تا توانایی رویارویی با مشکلات روزمره و بحران‌های زندگی را کسب کنند.

با چنین زمینه‌هایی، شبکه‌های پراکنده ارتباطی آسان‌تر می‌توانند در تار و پود جامعه نفوذ و رخنه نموده و با ایجاد شبکه‌های معنایی میان گروه‌های گوناگون شهروندان، سرمایه اجتماعی و اعتماد بین مردم را افزایش دهند (کین، ۱۳۸۹ : ۱۶۸)؛ زیرا شبکه‌هایی مثل فیس‌بوک و توئیتر با اعتمادبخشی به مردمی که از حکومت‌هایشان ناراضی هستند، در جهت پخش گسترده

1. Technosociality
2. Cognitive liberation

نظرات آن‌ها عمل می‌کنند (علام، ۳۴:۲۰۱۲)، موضوعی که در مصر و تونس در میان معترضان اتفاق افتاد و همبستگی و همکاری آن‌ها را افزایش داد؛ زیرا اعتماد یا همان سرمایه اجتماعی همکاری را تسهیل می‌کند و طبیعتا هرچه سطح اعتماد بالاتر باشد، احتمال همکاری نیز بیشتر می‌شود. از آنجا که فناوری اطلاعات و ارتباطات، بستر ارتباط بین شهروندان را تشکیل داده و تعامل اجتماعی هم‌سطح را افزایش می‌دهد، زمینه ایجاد هماهنگی شناختی[1] که لازمه عمل فرایند ارتباطی است، بهتر فراهم می‌شود (کاستلز، ۲۲:۱۳۹۳).

در یک بررسی آماری صورت گرفته راجع به تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر نظرات شهروندان در چند کشور عربی از جمله مصر، ۹۲ درصد پاسخ‌دهندگان در مصر احساس می‌کنند با استفاده از رسانه‌های نوین و از طریق ابزارهای شبکه‌سازی اجتماعی، بیشتر با جامعه ارتباط داشته‌اند. همچنین ۸۵ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی معتقدند: بعد از تعامل دو و چندجانبه با شهروندان از طریق ابزارهای شبکه‌سازی اجتماعی، فهم بهتری از جامعه به‌دست آورده‌اند. این بررسی همچنین حاکی از آن است که ۸۴ درصد از مخاطبان معتقدند که با استفاده از ابزارهای شبکه‌سازی اجتماعی مشارکت آن‌ها در جامعه افزایش یافته است.

ج– صدا دادن به بی‌صدایان[2]

به طور کلی، صدا اغلب به عنوان توانایی بیان ترجیحات توسط شهروندان ذکر می‌شود و اساساً جامعه مدنی هم از پیوند صداها صحبت می‌کند، اما با توجه به کمیابی رسانه‌ها و مالکیت آن‌ها در اکثر جوامع، گروه‌هایی هستند که رسانه‌ای در اختیار ندارند و نمی‌توانند خواسته‌ها، انتظارات و اعتراضات خود را به گوش مسئولین برسانند. در کشور مصر و تونس، همانند سایر جوامع عربی استبدادی گروه‌هایی بودند که چون رسانه‌ای در اختیار نداشتند، به عنوان شهروندان حاشیه‌ای قلمداد شده و نمی‌توانستند خواسته‌ها، انتظارات و اعتراضات خود را به مقامات بالاتر منتقل کنند. اینترنت و قالب‌های مختلف آن؛ از جمله شبکه‌های اجتماعی، این امکان را فراهم نمودند تا همه افراد صدایی داشته باشند (منتظرقائم و تارتار، ۱۳۸۴) و روابط ضعیف را با کشاندن اعتراض‌های مردمی به فضای مجازی نیرومندتر سازند.

د– داو سیاسی[3] و اشتراک‌گذاری دردها

یک مسئله وقتی «داو سیاسی» می‌شود که کنشگران موفق شوند، پیرامون آن مناظره‌ای عمومی راه بیندازند (ایو دورماگن، موشار، ۱۳۸۹ : ۲۹۱) و مشکل را به عنوان مشکل عموم مردم در حوزه عمومی به بحث بگذارند. این زمانی اتفاق می‌افتد که کنشگران مشکل را درک نموده و از عرض و طول آن آگاه شوند و تأثیر حیاتی آن را تعریف نمایند. از آنجا که قابلیت

1. Cognitive Consonance
2.Voice Of The Voiceless
۳ . اصطلاح به کار رفته در کتاب مبانی جامعه شناسی سیاسی (ژان–ایو دورماگن،دانیل موشار،۱۳۸۹،ترجمه عبدالحسین نیک گهر)

اشتراک‌گذاری داده‌ها و دردها در محیط اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی به شکل گسترده وجود دارد، مشارکت همگانی در تولید و میزان هم‌افزایی مردم در مباحثه و اقدام را افزایش می‌دهد؛ هرچند این مسئله در تحولات گذشته به سختی قابل مشاهده بود و شاید فقدان همین شرایط را بتوان یکی از علل طولانی شدن فرایند اعتراضی در این کشورها و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی برشمرد، اما امروز با وجود ابزارهای نوین، اشتراک‌گذاری‌ها برخط و فوری است و تصاویر و اخبار مشکلات، به‌راحتی بارگذاری شده و در دسترس مخاطبان گسترده قرار می-گیرد. شهروندان تونس و مصر از طریق شبکه‌ها، شرایط سخت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را به اشتراک گذاشتند (گوهری مقدم، ۱۳۹۱)، تا بدانند که آیا نظرات ما با سایر شهروندان مشترک است یا فقط نظر شخصی ماست. مثلاً در شرایط انقلابی، نت‌زیست‌های توانمند تونسی به جای استفاده از فیس‌بوک برای سرگرمی و ارسال عکس‌های شخصی، از آن برای بیان تشدید بیکاری، گرسنگی و فساد استفاده می‌کردند، به همین دلیل، فیس‌بوک به عنوان میدان منازعه میان مقامات تونس و کنشگران وب عمل می‌نمود. همچنین شبکه‌های اجتماعی با پخش اطلاعات بین اغلب مصری‌ها، کمک می‌کرد تا مخالفان رژیم و معترضین به مسائل مختلف، حامیان نظرات خود را پیدا کنند و نظراتشان توسط دیگران تقویت شود (بویزر،۲۰۱۱).

۵ – شکل‌گیری ژانر اعتراضی

مسائل و مشکلات عینی و قابل لمسی که در مصر و تونس در جریان بود، با سیطره حکومت‌های اقتدارگرا کمتر در حوزه عمومی به بحث و تبادل نظر منجر می‌شد تا زمانی که ژانر اعتراضی (درویر، منشی، ۱۳۸۸: ۸۶) در این کشورها شکل گرفت و خود را نمایان ساخت. این ژانر با زبان ویژه خود به مردم کمک کرد تا موضوعات پرفشار را مورد بحث قرار دهند. به قول ویلیام اوریچیو،[1] این ژانر راهی است برای ملموس کردن آمار و ارقام و نزدیک کردن آن به عواطف انسانی و این مهم در شبکه‌های اجتماعی، زمانی خود را نشان می‌داد که این رسانه‌ها با پخش تصاویر منقلب کننده و دردآور شکنجه‌ها و بی رحمی‌های پلیس، به شکل‌گیری و تقویت ژانر اعتراضی کمک می‌کردند. به گفته هوارد: رسانه‌های دیجیتال، به صورت قابل ملاحظه‌ای در دریافت پیام‌های اعتراض در مصر و تونس و جهت دادن به پوشش‌های رسانه‌ای اصلی، پیوند دادن شهروندان سرخورده و کمک به درک نارضایتی‌های مشترک و توان عمل با یکدیگر توانمند بوده و نقش داشتند، زیرا انقلاب‌ها زمانی متولد می‌شوند که افراد با بحران وجودی مواجه شده و چیزی برای از دست دادن نداشته باشند. به عبارت دیگر؛ اگرچه مصریان و تونسی‌ها از تحول اساسی از طریق فیس‌بوک و فضای مجازی ناامید بودند، اما به این باور رسیدند که چرا تلاش نکنیم، در حالی که چیزی برای از دست دادن نداریم (غبرا،۲۰۱۵:۲۱). به این دلیل که آن‌ها در وضعیت موجود خود حبس شده بودند و این

1.W.Uricchio

شرایط در مصر و تونس کاملاً محسوس و ملموس بود. زیست مجازی و رسانه‌های اجتماعی فرصتی برای این نوع شهروندان فراهم کردند تا حکومت‌هایشان را به انفجار برسانند (مالک،۳۳:۲۰۱۴)، و معترضان در حالی که در یک دست سنگ داشتند و در دست دیگر تلفن همراه، خیابان‌ها را تسخیر می‌کردند (ریان،۲۰۱۱).

به طور کلی تغییر و تحولات توئیتری، فیس‌بوکی یا ویکی لیکسی[1] نبودند، اما فناوری‌های نوین، محیط مجازی و رسانه‌های اجتماعی، قدرت فوق‌العاده‌ای به نت‌زیست‌ها دادند تا به صورت آزاد و برابر، شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به بحث و گفت‌وگو گذاشته و حوزه عمومی واقعی و نزدیک به شاخص‌های هابر ماس را راه اندازی کنند (جدول – ۱۳ و ۱۴).

(جدول ۱۳–کاربرد رسانه‌های اجتماعی در مصر و تونس)

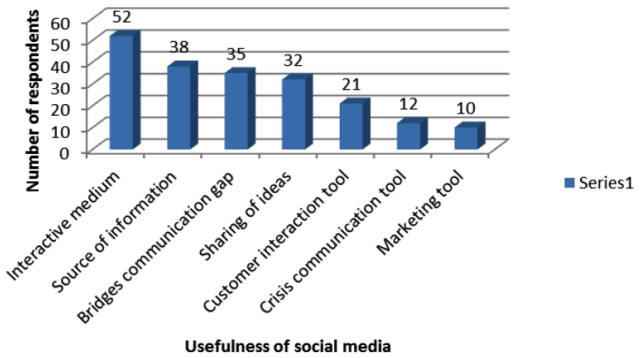

(جدول–۱۴– نگاه نت زیست‌های زن)

ردیف	گوینده	اظهارنظر
۱	زن ۲۷ ساله	اینترنت در زندگی من یک دنیای متفاوت ایجاد کرده است.
۲	زن ۲۱ ساله	اینترنت قطعاً زندگی من را عوض کرد.
۳	زن ۲۸ ساله	دنیای بزرگی در اینترنت مال من است.
۴	زن ۲۵ ساله	اینترنت یک تفاوت بزرگ در زندگی من ایجاد نموده است.
۵	زن ۱۷ ساله	اینترنت زندگی من را عوض کرده است.

Perwaise,2014:38

در توضیح شکل‌گیری حوزه عمومی آنلاین، به عنوان مثال می توان به گروه فیس بوکی «همه ما خالد سعید هستیم» اشاره کرد. در شرایطی که تنش و درگیری در مصر در اواخر ژانویه تا اوایل فوریه در جریان بود، وائل غنیم در فیس بوک یادداشتی منتشر کرد و در آن از استعفای حسنی مبارک خبر داد. این یادداشت چند ساعت قبل از سخنرانی حسنی مبارک منتشر شد، اما مبارک در آن سخنرانی اعلام کرد مایل است در قدرت بماند و آشوب ها را به کشورهای خارجی نسبت داد و این برخلاف پیش‌بینی وائل غنیم بود که از مردم خواسته بود با

1.Wikileaks

توجه به این شرایط خیابان‌ها را ترک کنند. همین پیشنهاد باعث شد حملاتی به غنیم صورت پذیرد و قضاوت‌هایی در مورد او انجام شود، اما وائل غنیم گفت: صدای مردم از هر فردی قوی‌تر است. وائل تقدم و برتری جمع بر فرد و افراد را نشان داد و گفت من را چهره انقلاب نکنید، همه مصری‌ها شریکند. او در گروه فیس بوکی با جمله «همه ما خالد سعید هستیم» به عنوان یک حوزه عمومی آنلاین شروع به جهت‌دهی افکار و نظرات کرد و اعلام نمود که نظرات دیگران نیز شایسته احترام است. او در این حوزه عمومی مسئولیت داشت تا عقاید متنوع و متکثر را تشویق نماید و یک گروه ایده‌آل که شامل دیدگاه‌های مختلف باشد را تشکیل دهد؛ به‌گونه‌ای که به فضای آزاد حوزه عمومی برخطی که مورد اعتماد مشارکت کنندگان است، صدمه‌ای وارد نشود.

فضایی که بعد از انتشار دیدگاه جدید وائل، در نیم ساعت پذیرای ۳۰۳۱ دیدگاه و نظر از تفکرات مختلف بود. تقریبا در هر دقیقه ۱۰۱ نظر ارسال شد. طبیعت غیرسیاسی این گروه سبب شد اعضای آن با تمرکز بر اهداف مشترک و با اعتماد متقابل، نوعی سرمایه اجتماعی را شکل دهند که منبع کنش است (فارسی جوکار، بیگ جانی،۱۳۹۷). در این فرایند، ابزارهای ارتباطی و محیط برآمده از آن یک دنیای متعامل آنلاین – آفلاین به وجود آورده بود. دنیای آنلاین منبع اصلی تغذیه و تقویت اعتراضات میدانی بود و به تعبیر برایس روبرت، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی، چاپ گوتنبرگ نسل ما بود . این شرایط مورد تأکید آرت دیک هم می باشد؛ یعنی روزنامه‌نگاران با استفاده از توئیتر به گزارش وقایع مصر و آنچه می‌دیدند، اقدام می‌کردند. آن‌ها لینک‌های مربوط به وقایع، تصاویر، فیلم‌ها یا وبلاگ‌ها را بارگذاری می‌کردند، همچنین شهروندان مصری، خودشان در نقش شهروند خبرنگار در تولید و نشر اخبار مشارکت داشتند. توئیت‌ها و گزارش‌های آنان اغلب توسط وبلاگ‌نویس‌ها و سایرین بازتوئیت[1]می‌شد. این ابزارها به شهروندان اجازه می‌داد تا از تصاویر، ویدئوها و سایر روش‌ها در توزیع اخبار بهره‌برداری کنند (مولر و مرو: ۲۰۱۱).

نتیجه‌گیری

مرور مباحث مطرح شده نشان می‌دهد، جوامع مصر و تونس در گذشته جوامعی ضعیف بودند: جوامعی گرفتار تأمین حداقل‌های زندگی با دولت‌هایی پرطمطراق، عظیم‌الجثه و فراگیر. دولت‌هایی که به شیوه‌ای سراسربین[2]، سراسر جامعه و کشور را تحت سیطره و سلطه خود داشته و در نتیجه کمتر اثری از جامعه مدنی، احزاب، نهادهای مدنی، رسانه‌های مستقل و حوزه عمومی واقعی در آن‌ها به چشم می‌خورد. این در حالی بود که رژیم‌های حاکم که به شیوه‌ای استبدادی بر جامعه حکمرانی می‌کردند، از نظر کارآمدی، عملکرد، مشروعیت و مقبولیت با

1. Retweet
2.Panopticon

بحران مواجه بودند و هرچه به سال‌های پایانی حکومت و سقوط خود نزدیک می‌شدند، کسری مشروعیت و مقبولیت و نقص عملکردی آن‌ها به صورت تصاعدی رشد می‌کرد. در این شرایط نابسامان، دولت‌های درمانده اقداماتی انجام می‌دادند؛ از جمله تلاش برای جبران ناکارآمدی، کسب رضایت قدرت‌های بزرگ، فرایند جهانی شدن و رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات که در این حوزه با تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های فراوان انجام گرفت. این سرمایه‌گذاری‌ها که بیشتر با هدف به‌روزرسانی استبداد و کسب حداقل رضایت شهروندان انجام شده بود، در شرایط نارضایتی و عدم مشروعیت رژیم‌های استبدادی و اقتدارگرای مصر و تونس برای رژیم‌های مذکور نتیجه معکوس به دنبال داشت. این نتیجه معکوس یک شبه به وقوع نپیوست، بلکه طی سال‌های طولانی حکومت رژیم‌های به ظاهر جمهوری و در عمل استبدادی حسنی مبارک و زین‌العابدین بن علی، زمینه‌سازی شد. نقص عملکردی، مشکلات اقتصادی، ساختارهای سیاسی اقتدارگرا، بی‌توجهی به اعتقادات و مطالبات مردم، عوامل اصلی این نارضایتی‌ها بود.

به‌رغم همه این نارضایتی‌های سرکوب شده، رژیم حسنی مبارک و بن‌علی انتخابات هم برگزار می‌کردند، اما مردم با ذهن باز در نظام‌های بسته، مشاهده می‌کردند که برخلاف آنچه در حوزه عمومی واقعی رد و بدل می‌شود، نتیجه انتخابات و کسب آرای بالا به نفع رژیم استبدادی است. این شرایط واقعی مصر و تونس بود، اما در ظاهر کمتر نشان داده می‌شد؛ زیرا حوزه عمومی مصنوعی توسط دستگاه‌های تبلیغاتی قبیله‌ای مصر و تونس تغذیه می‌شد و کمتر رسانه مستقلی به عنوان اکسیژن حوزه عمومی واقعی وجود داشت تا بتواند برخلاف جریان رسمی حرکت کرده و به حیات خود ادامه دهد.

به همین دلیل حوزه عمومی ساخته و پرداخته رسانه‌های رسمی و تحت کنترل، به کل جامعه تعمیم داده می‌شد. با ظهور، گسترش و پذیرش فناوری‌های ارتباطی نوین که مهم‌ترین و آخرین آن‌ها اینترنت بود و تولد نت‌زیست‌ها و شبکه‌های اجتماعی در مصر و تونس، زمینه‌های رد و بدل اطلاعات، آگاهی‌ها، تجربیات، انجام مقایسه‌ها توسط شهروندان، ارزیابی عملکردها و اظهار مطالبات آن‌ها فراهم شد و در شرایطی که شهروندان اندک آگاهی‌ها را به‌دست می‌آوردند، رژیم‌های مصر و تونس با تمام توان در صدد مسدود و فیلتر کردن کانال‌های ارتباطی مردم بودند. لیکن این سیاست‌ها کمتر جواب می‌داد، زیرا از یک سو، شهروندان فعال و مؤثر به ستوه آمده از شرایط عینی جامعه، به جامعه مجازی کوچ کرده بودند و بخش عمده‌ای از مباحث اصلی خود را در فضاهای مجازی و از طرق ابزارهای مبتنی بر فناوری کمتر قابل کنترل، طرح کرده و به مباحثه می‌گذاشتند و از سوی دیگر این جوامع مجازی مبتنی بر فناوری با فراهم کردن نوع دیگری از زندگی برای شهروندان، به تولد نت‌زیست‌ها و به تبع آن حوزه عمومی جایگزین و چندلایه در کشورهای تونس و مصر منجر شدند؛ شهروندانی که بیشتر وقت خود را در این جوامع سپری می‌کردند و طبیعتاً از توانمندی‌ها و مهارت‌های خاصی برخوردار

بودند.

بخشی از این توانمندی‌ها مقدمه ورود به جامعه مجازی و زندگی در آن بود و بخشی دیگر از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن، حاصل حشر و نشر با فناوری اطلاعات و ارتباطات و به - صورت خاص شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جدید، شکل‌گیری احساسات مشترک شهروندان، تبادل اطلاعات و تجربیات، هم‌افزایی، فرو ریختن ترس، طرح مطالبات و انتظارات، شکستن تابوها و گفت‌وگوی آزاد در این فضا بود. این شرایط سبب شد حوزه‌های عمومی عربی جدید متولد شود؛ به عبارت دیگر حوزه عمومی منکوب شده مصر و تونس احیا و مباحث این دو کشور در این فضا به مباحثه و مناظره گذاشته شد تا شهروندان بتوانند نسبت به آنچه در کشورهایشان در جریان بود، شناخت عمیق‌تر پیدا کنند، شناختی که می‌توانست توانمندی فردی و جمعی آن‌ها را ارتقا دهد و شرایط لازم حوزه عمومی را فراهم کند. آنچه اتفاق افتاد، این بود که کنشگرانی که در جامعه مجازی حوزه عمومی جایگزین را به وجود آورده بودند، هم مرجعیت داشته و مورد رجوع شهروندان مختلف بودند، هم ابزارها و رسانه‌های جدید که ماهیت مسطح و افقی داشتند، اکثریت مردم مصر و تونس را که بیشتر واجد فرهنگ شفاهی بودند، تحت تأثیر قرار دادند.

به بیان دیگر، توانمندسازی در سطوح مختلف فردی، گروهی و ارتباطی، اگرچه در فضای مجازی قوی‌تر بود، اما در فضای واقعی هم اتفاق افتاده بود و حوزه‌های عمومی ترکیبی ساخته شده به دلیل جهش‌های چندگانه در فناوری، جمعیت جوانان، جمعیت زنان، آگاهی سیاسی، الگوگیری و مقایسه از طریق شبکه‌های اجتماعی با محوریت نت‌زیست‌های توانمند و اثربخش که توانست با ارتقا و تثبیت وضعیت اپوزیسیونی، نرم‌افزار فناوری اقدام جمعی و تحول شبه انقلابی را برای افرادی تأمین کنند که مدت‌های مدید اتمیزه و حاشیه‌ای شده بودند و ذیل «انبوه خلق» یا ناجنبش‌ها گرد هم آمدند تا بتوانند با دستان خالی حکومت‌های اندک سالار حسنی مبارک و زین العابدین بن علی را ساقط کنند.

کتابنامه

آقایی، سیدداود؛ صادقی،سید سعید؛ هادی، داریوش (۱۳۹۱)، **واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا**، *روابط خارجی*، ۴(۱۴):۷-۳۳.

آل سید غفور، سید محسن و فرشاد رومی (۱۳۹۲)، «*تکنولوژی و تحولات سیاسی جهان عرب*»، *فصلنامه سیاست*، ۴۳(۴): ۹۹-۱۱۵.

ابراهیمی، نبی‌ا... (۱۳۹۰)، **تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی**، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۴(۲):۱۱۱-۱۳۴.

ابو، بوسا(۱۳۸۵). *امپریالیسم سایبر*، ترجمه پرویز علوی، تهران: ثانیه.

العبیدی، جبار (۱۳۸۵). *ارتباط و فرهنگ دموکراسی*، ترجمه ع. فخر یاسری، *روزنامه شرق*، سال سوم، ۸۱۴.

ایودورماگن، ژان؛ موشار، دانیل (۱۳۸۹)، ***مبانی جامعه‌شناسی سیاسی***، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: آگه.

بشریه، حسین (۱۳۸۶)، ***آموزش دانش سیاسی***، تهران: نشر نگاه معاصر.

بن رمضان، محمود (۱۳۹۱)، **سیاست اجتماعی و توسعه تونس از زمان استقلال**: دورنمای سیاسی، در مسعود کارشناس و والنتاین مقدم، *سیاست‌گذاری اجتماعی در خاورمیانه*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

تامپسون، جان ب (۱۳۸۰). ***رسانه‌ها و مدرنیته***، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش.

توسلی، غلامعباس(۱۳۸۲). ***نظریه‌های جامعه‌شناسی***، تهران: سمت.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). ***جغرافیای سیاسی فضای مجازی***، تهران: سمت.

حافظیان، محمدحسین(۱۳۸۹). «***جهانی شدن و مناسبات دولت – جامعه در مصر***»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۲(۷):۲۴-۵۲.

خواجه سروی، غلامرضا؛ خلیلی پوررکن‌آبادی، علی؛ نیکنام، رضا؛ یزدان‌پناه، مهدی، (۱۳۹۰)، **تأثیر توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر تحولات جدید خاورمیانه (مطالعه تونس و مصر)**، *رسانه*، دوره۲،۲۳(۸۷): ۵-۲۴.

دالگرن، پیتر (۱۳۸۹). ***تلویزیون و گستره عمومی***، ترجمه مهدی شفقتی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.

درویر،پیترون؛ منشی، شوما (۱۳۸۸)، ***رسانه، جنگ، ترور***، ترجمه علیرضا عبادتی، تهران: انتشارات روایت فتح.

دیلمقانی، میترا و ثانی،رضا (۱۳۸۲) «**شهروند الکترونیکی در عصر اطلاعات**»، *رسانه*،۱۴(۳): ۵۵-۶۶.

رضایی، آسیه (۱۳۹۲)، ***شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های خاورمیانه و شمال آفریقا، مطالعه موردی*** *شبکه‌های اجتماعی فیس بوک و جنبش‌های اجتماعی مصر و تونس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

روزنا جیمز و دیگران(۱۳۹۰). ***انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید***، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعاتی راهبردی.

سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۲). ***درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه***، تهران: میزان.

سیدمن، استیون (۱۳۸۹). ***کشاکش آراء در جامعه شناسی***، ترجمه هادی جلیلی،تهران: نی.

شمسینی غیاثوند، حسن (۱۳۹۱). ***جایگاه رسانه‌های نوین در تحولات نوین جهان عرب***، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۸(۱۹): ۲۰۵-۲۲۹.

صادقی، حسین؛ آقایی خوندابی، مجید؛ رضایی‌پور، محمد (۱۳۸۵)، **اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر سرمایه انسانی در کشورهای در حال توسعه**، *اقتصاد و تجارت نوین*، شماره۷(۶۱-۹۰).

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۸)، ***شبکه‌های علمی مجازی***، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

عشوری مقدم، محمدرضا (۱۳۸۹). ***جایگاه رسانه و شبکه‌های اجتماعی در خیزش‌های انقلابی جهان عرب***، *دین و ارتباطات*،شماره۳۷و۳۸(۱۱۳-۱۴۰).

غبیشاوی، رضا (۱۳۸۹). ***عصر جدید رسانه آغاز شده است: انقلاب‌های بی‌سابقه صحنه قدرت‌نمایی رسانه‌های نوین***، در *۱۵۷۷۷۳* / www.asriran.com.fa/news.

فارسی جوکار، حسن و زهرا بیگ جانی (۱۳۹۷)، ***حوزه عمومی و شبکه‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی«گروه همه ما خالد سعید هستیم»*** فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۱(۴۱): (۹۷-۱۱۴).

فیرحی، داود (۱۳۷۹). ***رسانه‌ها و تحول فرهنگ سیاسی در خاورمیانه***، *علوم سیاسی*، ۲(۸): ۴۹-۷۲.

فیوانا،پوا(۱۳۸۳) **پراکنش جهانی فناوری اطلاعات**، ترجمه علیرضا تمیزی، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۵.(۵۴-۷۲).

قزوینی حائری، یاسر (۱۳۹۲). ***سونامی در جهان عرب***، تهران: امیرکبیر.

قرنی، بهجت (۱۳۹۱)، ***انقلاب در کشورهای عربی***، ترجمه الهام شوشتری‌زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). ***شبکه‌های خشم و امید***، ترجمه مجتبی قلی پور، تهران: مرکز.

کریشنر، هنر (۱۳۸۳)، **اینترنت در جهان عرب،آیا جهان عرب به سوی تشکیل جامعه اطلاعاتی گام‌برمی دارد**، ترجمه مهدی عباسی، *فرهنگ و فناوری*، شماره ۲، ۱۴-۲۹

کین، جان (۱۳۸۹). ***رسانه‌ها و دموکراسی***، ترجمه نازنین شاه رکنی، تهران: طرح نو.

کارشناس، مسعود؛ مقدم، والنتاین (۱۳۹۱). *سیاست اجتماعی در خاورمیانه؛ نقد و تصویر کلی، سیاست‌گذاری اجتماعی در خاورمیانه*، ترجمه علی‌اکبر تاج مزینانی، پیمان جبلی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

کورانی، بهجت (۱۳۹۳). ***خاورمیانه از زمان جنگ سرد تاکنون، شکاف ژئوپولتیک***، ترجمه: عسگر قهرمان‌پور، در فرد هالیدی و دیگران، *خاورمیانه نو*، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، تهران: امیرکبیر.

گای، ماری (۱۳۸۸)، ***شهروند در تاریخ اندیشه غرب***، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر و پژوهش فرزان‌روز.

گرام، گوردن (۱۳۹۳)، ***جستارهای فلسفی در ماهیت اینترنت***، ترجمه محمدرضا امین ناصری، تهران: کویر.

گلدستون، جک (۱۳۹۰). *فهم انقلاب ۲۰۱۱: شکنندگی و بهبودپذیری دیکتاتوری‌های خاورمیانه*، ترجمه خرم بقایی، *مطالعات خاورمیانه، شماره۶۴، ۱۷۵-۱۹۲*.

گودوین، رابرت ای؛ چارلز تیلی (۱۳۹۰). ***تحلیل سیاسی***، ترجمه رضا سیمبر، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

گودین، رابرت ای(۱۳۸۸). ***دموکراسی سنجیده***، ترجمه لیلا سازگار، تهران: ققنوس.

گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۹۱)، **بیداری اسلامی یا انقلاب‌های عربی، رویکردی اجتماعی**، در اصغر افتخاری، *بیداری اسلامی در نظر و عمل*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

لرنر، دانیل (۱۳۸۳). ***گذر جامعه سنتی (نوسازی خاورمیانه)***. ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

لیاقت‌ورز، رضا (۱۳۹۱)، ***بررسی نقش و تأثیر رسانه‌ها در شکل‌گیری موج اجتماعی انقلاب کشورهای عربی از دیدگاه کارشناسان رسانه‌ای و دیده‌بانهای جهان عرب***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
مقدس، محمود، اکوانی سیدحمدالله (۱۳۹۱). *انقلاب مصر، برآیند نظام الیگارشیک وتوسعه نیافتگی، مطالعات خاورمیانه*، شماره ۷۱(۹۳-۱۱۸).
مقصودی، مجتبی؛ حیدری، شقایق (۱۳۹۱)، **نقش ابزارهای تازه ارتباطی در پیشبرد جنبش‌های شمال آفریقا**، *اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، شماره ۲۹۰، ۴۴-۵۹.
منتظر قائم، مهدی؛ تارتار عبدالعزیز؛ (۱۳۸۴)، **اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه‌های خاموش**، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱(۴): ۲۲۳-۲۴۵
موثقی گیلانی، احمد؛ عطارزاده، بهزاد (۱۳۹۱)، **نقش و تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر**، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۷(۲۳): ۱۴۷-۱۹۱.
نصری، قدیر (۱۳۹۱)، **بیداری اسلامی در مصر: منابع و موانع برآمدن سلفی‌ها**، در اصغر افتخاری، *بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۰). ***گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تحول امنیت***، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
نوذری، حسینعلی (۱۳۹۳)، *بازخوانی هابرماس*، تهران: نشر چشمه.
وایت، استیون (۱۳۸۰) ***خرد، عدالت و نوگرایی: نوشته های اخیر هابرماس***، ترجمه محمد حریری اکبری، تهران: نشر قطره.
وبستر، فرانک (۱۳۸۰). ***نظریه‌های جامعه اطلاعاتی***، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران: قصیده‌سرا.
هولاب، رابرت (۱۳۷۸)، ***یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی***، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
هینه بوش، ریموند (۱۳۸۶). ***سیاست هویت در روابط بین‌المللی خاورمیانه***، ترجمه علی گل‌محمدی، در لوئیس نات، *روابط بین‌المللی خاورمیانه*، ترجمه احمد سلطانی‌نژاد، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

References

Abdulla, A.L (2007) *The internet in the Arab world: Egypt and Beyond, network*: peterlang publishing.
Abu, Bosa (2006). ***Cyber Imperialism***, translated by Parviz Alavi, Tehran: s. (In Persian).
Aghaei, Seyed Davood; Sadeghi, Sayed Saeed; Hadi, Dariush (2012), ***An Analysis of the Role of the Internet and New Social Media in Developments in the Middle East and North Africa Region***, Foreign Relations, Volume 4, Number 4 (14), 7-33. (In Persian).
Alaam, Mai Nabil (2012) *The Role of and Impoct of Social Media Networks on Arab spring: an Case study on the Egyption Revolution*, A Thesis submitted to school of global Affairs and public policy the American University in Cairo.
Al-Obeidi, Jabbar (2006). ***Communication and Culture of Democracy***, translated by A. Fakhr Yaseri, Shargh newspaper, third year, 814. (In Persian).

Al-Seyyed Ghafoor, Seyyed Mohsen and Farshad Rumi (2013), ***"Technology and Political Developments in the Arab World"***, Quarterly Journal of Politics, 43 (4), 99-115. (In Persian).

Ameli, Saeed Reza (2009), ***Virtual Scientific Networks***, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. (In Persian).

Arab social media Report2 (2011) Dubai school of Government, "Civil movements: The Impact of facebook and Twitter".

Ashuri Moghadam, Mohammad Reza (2010). ***The Position of Media and Social Networks in the Revolutionary Uprisings of the Arab World***, Religion and Communication, Nos. 37 and 38 (113-140). (In Persian).

Bashariyeh, Hossein (2007), ***Teaching Political Knowledge***, Tehran: Contemporary View Publishing. (In Persian).

Ben Ramadan, Mahmoud (2012), ***Tunisia's Social Policy and Development since Independence: A Political Perspective***, by Massoud Karshenas and Valentine Moghaddam, Social Policy Making in the Middle East, Tehran: Imam Sadegh University Press. (In Persian).

Benkler, Yochai (2006). *The wealth of Networks: How social production transtorms markets and freedom chapter* 7. New Haven: Yale University press.

Buisier, janan (2011) Egyption Youth rise through a social Network, *daily campus News*. Feb 14.

Castells, Manuel (2014). ***Networks of Anger and Hope***, translated by Mojtaba Gholipour, Tehran: Center. (In Persian).

Cole, juan (2014). *How the millennial Generation is changing the middle East*: The Nes Arabs. Simon, schuster' NY

Comninos ‘Alex (2011)*Twitter Revolution and Cyber Crackdowns Association for Progressive Communications* (ASC)

Crowell, L.F. (2004) Weak ties : A Mechanism for helping women to expand their social networks and in crease their capital, the *social seience journal*, 410

Dalgren, Peter (2010). ***Television and the general public***, translated by Mehdi Shafaghati, Tehran: Soroush and the Center for Research, Studies and Program Evaluation. (In Persian).

Darware, Pitron; Secretary, Shuma (2009***), Media, War, Assassination***, translated by Alireza Ebadati, Tehran: Fatah Narration Publications. (in persian).

Dilamghani, Mitra and Thani, Reza (2003) ***"Electronic Citizen in the Information Age***", Media, Volume 14, Number 55.3-66. (In Persian).

Ebrahimi, Nabi ... (2011***), The Effect of Social Networks and Satellite Channels on the Occurrence and Development of Arab Revolutions***, Quarterly Journal of Strategic Studies, Volume 14, 2 (52), 111-134. (In Persian).

Eudormagen, Jean; Moushar, Daniel (2010), ***Fundamentals of Political Sociology***, translated by Abdolhossein Nikgohar, Tehran: Ad. (In Persian).

Farihi, Davood (2000). ***Media and the evolution of political culture in the Middle East***, Political Science, 2 (8), (49-72). (In Persian).

Farsi Jokar, Hassan and Zahra Beig Jani (2018), ***Public domain and social networks; Case Study of "We Are All Khalid Saeed***" Quarterly Journal of Political Studies, Year 11, No. 41 (97-114). (In Persian).

Fivana, Poe (2004) ***Global Distribution of Information Technology***, translated by Alireza Tamizi, Business Studies, No. 5. (54-72). (In Persian).

Ghabishawi, Reza (2010). ***A new era of media has begun: unprecedented revolutions are the scene of the emergence of new media***, in 157773 / www.asriran.com.fa / news. (In Persian).

Ghabra, shafeeq (2015). The Egyption Revolution. At sadiki larbi, routledge *handbook of the Arab spring*, New York: routledge.

Ghannam, Jeffery (2011). Social media in the Arab world: Leading up to the uprising of 2011. central for international media assistance and national en downment of democracy. 3 February.

Godin, Robert E. (2009). ***Measured Democracy***, translated by Leila Sazegar, Tehran: Phoenix. (In Persian).

Gohari Moghadam, Abuzar (2012), ***Islamic Awakening or Arab Revolutions, Social Approach***, in Asghar Eftekhari, Islamic Awakening in Thought and Action, Tehran: Imam Sadegh(AS) University Press. (In Persian).

Goldstone, Jack (2011). ***Understanding the 2011 Revolution***: The Fragility and Recoverability of Middle East Dictatorships, translated by Khorram Baqaei, Middle East Studies, No. 64, (175-192). (In Persian).

Goodwin, Robert E.; Charles Tilly (1390). ***Political Analysis***, translated by Reza Simber, Tehran: Imam Sadegh (AS) University. (In Persian).

Gram, Gordon (2014), ***Philosophical Essays on the Nature of the Internet***, translated by Mohammad Reza Amin Naseri, Tehran: Kavir. (In Persian).

Guy, Marie (2009), ***Citizen in the History of Western Thought***, translated by Abbas Bagheri, Tehran: Farzan Rooz Publishing and Research. (In Persian).

Hafiz Nia, Mohammad Reza (2013***). Political Geography of Cyberspace***, Tehran: Samat. (In Persian).

Hafizian, Mohammad Hussein (2012). "***Globalization and Government-Society Relations in Egypt"***, Quarterly Journal of Political Studies, 2 (7), 24-52. (In Persian).

Hanrath, jan; Leggewie, claus (2013) Revolution 2.0? the role of digital media in political mobilization and protest. At www.bonn-symposium. De / fileadmin / red aktion / globale – trends – 2013/gt- hanrath – leggewie – en.pdf.

Hassan Samira F (2015) *Social media and the Arab spring.* A capston submitted to the Graduate school Camden Rutgers, the state university of New Jorsy in partial Fulfillment of requirements for the degree of masters of arts in liberal studies.

Heine Bush, Raymond (2007). ***The Politics of Identity in Middle East International Relations***, translated by Ali Golmohammadi, in Louis Knott,

Middle East International Relations, translated by Ahmad Soltani Nejad, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Printing and Publishing Center.(In Persian).

Howard, Alex (2011). A Tunision on the role of social media in the revolution in Tunisia. Available at*: http://gove 20.govfresh.com*

Hulab, Robert (1999), ***Jürgen Habermas, Critique in the Public Sphere***, translated by Hossein Bashirieh, Tehran: Ney Publishing. (In Persian).

Kane, John (2010). ***Media and Democracy***, translated by Nazanin Shah Rokni, Tehran: New Plan. (In Persian).

Karshenas, Massoud; Moghaddam, Valentine (2012). ***Social policy in the Middle East; Critique and Overview, Social Policy Making in the Middle E***ast, translated by Ali Akbar Taj Mazinani, Peyman Jeblai, Tehran: Imam Sadegh (AS) University. (In Persian).

Khajeh Sarvi, Gholamreza; Khalili Pourrkenabadi, Ali; Niknam, Reza; Yazdanpanah, Mehdi, (2011), ***The Impact of the Development of Information and Communication Technologies on New Developments in the Middle East*** (Study of Tunisia and Egypt), Media, Volume 23, 2 (87), 5-24. (In Persian).

Krishner, Art (2004***), Internet in the Arab World, Is the Arab World Taking a StepTowards the Formation of an Information Society***, translated by Mehdi Abbasi, Culture and Technology, No. 2, (14-29) (In Persian).

Kurani, Behjat (2014). ***The Middle East since the Cold War, Geopolitical Ga***p, translated by Asgar Ghahramanpour, in Fard Halliday et al., ***The New Middle East***, translated by Asgar Ghahramanpour, Tehran: Amirkabir. (In Persian).

Lerner, Daniel (2004). ***Transition of traditional society (modernization of the Middle East***). Translated by Gholamreza Khajeh Sarvi, Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (In Persian).

Liaqatvarz, Reza (2012***), A Study of the Role and Influence of Media in Forming the Social Wave of the Arab Revolution from the Perspective of Media Experts and Observers of the Arab World***, M.Sc. Thesis, Faculty of Social Sciences, University Azad Central Tehran Branch. (In Persian).

Maghsoudi, Mojtaba; Heidari, Shaghayegh (2012), ***The Role of New Communication Tools in Promoting North African Movements***, Political Information, Economic, No. 290, (44-59). (In Persian).

Malik, Needa A (2014) *Revolutionizing the Revolution an Examination of social media role in Egyption Arab spring*, A thesis presented to the department of international studies, Butler university.

Mark, Wilsan; Kenneth E, corey (2012) the role of ICT in Arab spring Movements, *Netcom*. Vol.26.No.3.

Mcadom ,Doug(1982)Political Process and The Development of Black In Surgency 193-197.Chicago :University of Chicago press.

Montazer Ghaem, Mehdi; Tartar Abdul Aziz; (2005***), Internet, Social Capital and Silent Groups***, Cultural Studies and Communication, No. 1 (4), (223-245). (In Persian).

Moqaddas, Mahmoud, Akwani Seyed Hamdollah (2012). ***The Egyptian Revolution, the Outcome of the Oligarchic System and Underdevelopment***, Middle East Studies, No. 71 (18-193). (In Persian).

Movaseqi Gilani, Ahmad; Attarzadeh, Behzad (2012), ***The role and effect of cyberspace on social movements; Case Study of Egypt***, Journal of Political Science, Volume 7, Number 23 (27), (147-191). (In Persian).

Muller, Narina Bohler and Merwe charl vander (2011). The potential of social media to in fluence *AISA POLICY brief*, No 46.

Nasri, Qadir (2012), ***Islamic Awakening in Egypt: Sources and Obstacles for Salafis***, In Asghar Eftekhari, Islamic Awakening and Regional Developments, Tehran: Imam Sadegh(AS) University Press. (In Persian).

Noor Mohammadi, Morteza (2011***). Development of Information and Communication Technologies and Security Transformation***, Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian).

Nozari, Hossein Ali (2013***), Habermas re-reading,*** Tehran: Cheshmeh Publishing. (In Persian).

Omidyar, Pierre (2014) "Social media: Enemy of the state or power to the people?" The Huffington post, 27 february.

Phares & Walid (2010) *Coming Revolution: Struggle for Freedom in the Middle East*. New York: Simon & Schuster.

Qarni, Behjat (2012), ***Revolution in Arab Countries***, translated by Elham Shoushtrizadeh, Tehran: Abrar Contemporary International Cultural Studies and Research Institute, Tehran. (In Persian).

Qazvini Haeri, Yaser (2013). ***Tsunami in the Arab World***, Tehran: Amirkabir. (In Persian).

Rezai, Asia (2013), ***Social Networks and Movements in the Middle East and North Africa***, ***Case Study of Facebook Social Networks and Social Movements in Egypt and Tunisia***, M.Sc. Thesis, Al-Zahra University. (In Persian).

Rosena James et al. (2011***). Information Revolution, Security and New Technologies***, translated by Alireza Tayeb, Tehran: Strategic Studies Research Institute. (In Persian).

Rosenau, James N and Singh j.p (2002***)*** *information Technologies and global politics*, Albany: State university of New York press.

Ryan, Yasmine (2011) How tunisia's revolution began *Al jazeera*, 26 January.

Sadeghi, Hussein; Mr. Khondabi, Majid; Rezaeipour, Mohammad (2006), ***The Effect of Information and Communication Technology on Human Capital in Developing Countries***, New Economy and Trade, No. 7 (61-90). (In Persian).

Salanova, Regina, Social Media and Political Change: The Case of the 2011 Revolutions in Tunisia and Egypt (December 1, 2012). International Catalan Institute for Peace, Working Paper No. 2012/7. Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=2206293 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2206293

Sardarnia, Khalilullah (2013). ***An Introduction to the Political Sociology of the Middle East,*** Tehran: Volume.

Sey, A and Castells, m (2007) from media politics to Networked palitics: the internet and the political process, in teach out, Z. and streeter, T., eds mousepads, shoe leater and Hopei: *lessons from the Howard Dean compaign for the future of internet politics*, Boulder, Co:paradigm publisher.

Shamsini Ghiasvand, Hassan (2012). ***The position of new media in the recent developments in the Arab world***, Quarterly Journal of Political Science, 8 (19), 205-229. (In Persian).

Sheedy, Caroline.S. (2011) *Social media for social change*: Acapstone project in partial fulfillment of the requirements for degree of masters of Art in public communication.

Sidman, Steven (2010***). Conflict of Opinions in Sociolog***y, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney. (In Persian).

Tavassoli, Gholamabbas (2003). ***Sociological Theories***, Tehran: Samat. (in persian).

Thompson, John B. (2001). ***Media and Modernity***, translated by Masoud Ouhadi, Tehran: Soroush. (In Persian).

Thornton Alinta (1996) *Does Internet Greate Democracy**?*** Diss: University of Technology: Sydney.

Waltz,M(2005)*Alternative and Activist Media* ,Edinburgh: Edinburgh University press.

Webster, Frank (2001***). Information Society Theories***, translated by Ismail Ghadimi, Tehran: Ode. (In Persian).

White, Steven (2001***) Wisdom, Justice, and Modernity***: Habermas' Recent Writings, translated by Mohammad Hariri Akbari, Tehran: Qatreh Publishing. (In Persian).